



دوره ۴۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۱۳۳ تا ۱۶۱

ارزیابی اثربخشی سیاست‌های پلیسی کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر

آزاده صادقی*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۶/۲۵)

چکیده

کنترل پلیسی بازارهای خرید و فروش مواد مخدر، معمولاً از رهگذر بازداشت عرضه‌کنندگان و اختلال در توزیع مواد دنبال می‌شود. موفقیت برنامه‌های مذکور در ایجاد اختلال در فرآیند عرضه و در نهایت کاهش مصرف، منوط به افزایش قیمت از سوی فروشندگان و کاهش مصرف از سوی متقاضیان است؛ به همین دلیل، پلیس با اجرای طرح‌های مختلف به دنبال افزایش قیمت، اختلال در عرضه و کاهش دسترسی به مواد است. پرسش اصلی مقاله این است که میزان اثربخشی تدابیر کنونی پلیس برای کنترل بازارهای خرید و فروش مواد تا چه اندازه است؟ آیا مداخله‌های پلیسی توانسته است افزایش قیمت، اختلال در دسترسی به مواد، کاهش درجه خلوص و در نهایت کاهش مصرف را به همراه داشته باشد؟ برای پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق از روش کیفی مصاحبه عمیق با ۶۸ نفر از فروشندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر (۲۷ فروشنده و ۴۱ مصرف‌کننده) استفاده شده است. علاوه بر این با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان اظهارنظرهای مقام‌های رسمی و گزارش‌ها، آمار و اخبار حاوی اطلاعات مربوط به میزان اثربخشی مداخله‌ها تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اقدام‌های پلیس برای کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر در بلندمدت، نه تنها موجب افزایش قیمت نشده است، بلکه به کاهش آن می‌انجامد. از سوی دیگر، به دنبال مداخله‌های پلیسی، مصرف مواد مخدر پرخطر و همچنین چندمصرفی رواج بیشتری پیدا کرده است.

واژگان کلیدی

سیاست‌های پلیسی، کنترل، بازارهای خرید و فروش مواد مخدر، اثربخشی، قیمت مواد.

مقدمه

پلیس به‌عنوان یکی از نهادهای عدالت کیفری تلاش می‌کند تا هزینه‌های غیرمالی مربوط به توزیع مواد مخدر را از طریق افزایش ریسک بازداشت، اختلال در عرضه مواد و در واقع فزون‌بخشی خطر، افزایش دهد. افزون بر این، فعالیت‌های پلیسی می‌تواند با افزایش زمان دسترسی به مواد مخدر، روند عرضه این مواد را با موانعی روبه‌رو سازد.

در برابر این شرایط، بزهکار همانند یک تاجر در بازار ممکن است دوگونه واکنش از خود نشان دهد: ۱. ممکن است بزهکار بار این هزینه‌های غیرمالی را بر عهده خریداران گذاشته و با افزایش قیمت مواد، درصد به حداکثرسانی سود خویش در بازارهای مواد باشد؛ زیرا سود نهایی را مابه‌التفاوت بهای فروش مواد و هزینه‌های مرتبط تعیین خواهد کرد. در این فرض افزایش قیمت پیرو افزایش خطر و سودجویی بزهکاران در قالب بالا بردن قیمت رخ می‌دهد. در این راستا، بسیاری از فروشندگان مواد به‌لحاظ کاهش عرضه مواد در بازارهای مواد به عرضه مواد دارای ناخالصی اقدام می‌کنند؛ (ب) همچنین، ممکن است فروشندگان مواد به دنبال افزایش هزینه‌های خرید و فروش مواد ترجیح دهند که بازارهای مواد را ترک کنند. این امر به‌نوبه خود موجب کاهش عرضه و در نهایت افزایش قیمت می‌گردد. در مجموع، خواه بزهکاران هم‌چون فرض اول ریسک‌پذیر باشند و خواه ریسک‌گریز، افزایش خطر به افزایش قیمت می‌انجامد. به‌عنوان یک نتیجه فرعی، چنین افزایش قیمتی موجب پایین آمدن درجه خلوص مواد نیز می‌شود.

تدابیر و برنامه‌های پلیسی برای کاهش حجم مصرف مواد مخدر در بازارهای خرید و فروش از دو طریق دنبال می‌شود: اول آنکه به موجب قانون تقاضا و رابطه معکوس میان قیمت و تقاضا،^۱ افزایش قیمت موجب کاهش تقاضا از سوی مصرف‌کنندگان و به تبع آن کاهش مصرف می‌شود. در این فرایند، اصل اقتصادی «انعطاف‌پذیری تقاضا در برابر قیمت»^۲ که نشان‌دهنده درصد تغییرات مقدار تقاضا نسبت به مقدار قیمت است، توجهی قوی برای کاهش مصرف محسوب می‌شود (Rasmussen and Benson, 2003:689-691). در واقع، بر اساس انعطاف‌پذیری تقاضا در برابر قیمت، مصرف‌کنندگان در برابر قیمت مواد واکنش نشان می‌دهند و در صورت عدم تعادل بازارهای مواد به‌لحاظ کاهش عرضه و افزایش قیمت مواد، از میزان تقاضا یا مصرف خویش کاسته و در نتیجه با ورود به فرایندهای درمانی، از بازارهای مواد خارج می‌شوند (Bright and Ritter, 2010:360-363). دوم آنکه مداخله‌های پلیسی برای مصرف‌کنندگان نیز پیام افزایش احتمال دستگیری و مجازات را به همراه دارد که موجب می‌شود تا برخی از آنان در واکنش به این افزایش خطر، تصمیم به عدم مصرف مواد گرفته و بازارهای مواد را ترک کنند.

۱. وقتی که قیمت کالایی کاهش پیدا کند، تقاضا برای آن افزایش می‌یابد یا وقتی که قیمت کالایی افزایش پیدا کند تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که رابطه معکوسی بین قیمت و مقدار تقاضا در بازارهای مواد وجود دارد. به این رابطه معکوس بین قیمت و مقدار تقاضا، در علم اقتصاد قانون تقاضا گفته می‌شود. بر این اساس، تقاضا هنگامی دارای ویژگی انعطاف‌پذیری است که کشش آن در برابر قیمت بیش از یک است. (Rasmussen and Benson, 2003:689-691)

به‌طور خاص، فعالیت‌های پلیسی با ایجاد اختلال در فرایند عرضه مواد و افزایش زمان دسترسی به مواد مخدر نقش برجسته‌ای در انصراف مصرف‌کنندگان از تقاضای مواد مخدر دارد. مصرف‌کنندگان مجبور خواهند شد تا زمان بیشتری را برای جست‌وجوی مواد مخدر با کیفیت اختصاص دهند و قیمت بیشتری برای مواد مصرفی بپردازند. ترس از شناسایی و بازداشت، آنان را مجبور به رعایت احتیاط بیشتری می‌کند. با توجه به اینکه بسیاری از مصرف‌کنندگان مواد، مصرف‌کنندگان سبک می‌باشند، اختصاص زمان بیشتر برای جست‌وجوی مواد موجب می‌شود تا این هزینه غیرمالی را انگیزه‌ای قوی جهت ترک مصرف مواد تلقی کرده و به آن عینیت بخشند؛ چراکه آنان با توجه به تجربه پایین‌تر و آشنایی کمتر با راه‌های جایگزین، اشتیاق خویش برای حضور در بازارهای مواد را از دست داده و به تبع آن ممکن است آمادگی بیشتری برای ورود به فرآیندهای درمانی پیدا کنند. از سوی دیگر، کاهش مشتریان نیز از جذابیت بازارهای مواد و منافع مالی ناشی از آن‌ها به‌مثابه عامل اشتغال برای فروشندگان کاسته و موجب می‌شود تا آنان از فرایند عرضه مواد خارج شوند.

بنابراین، اعتبار مداخله‌های پلیسی در گرو تحقق کاهش مصرف‌کنندگان خواهد بود؛ به دیگر سخن تدابیر پلیسی که منجر به کاهش حجم بازارهای مواد، افزایش قیمت و زمان دسترسی به مواد شود، اثربخش‌تر تلقی خواهد شد. در همین راستا، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی تحقق اهداف مذکور در اثر برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای مواد مخدر است. در واقع، اثربخشی برنامه‌های پلیسی و میزان دستیابی به اهداف مورد انتظار محور اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. بر همین مبنا، پژوهش حاضر به دو بخش تقسیم شده است: در بخش اول، مفاهیم پژوهش که شامل سیاست‌های پلیسی کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی است، بررسی و سپس پرسش‌ها و روش جمع‌آوری داده‌ها تشریح می‌شود؛ در بخش دوم، یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود. ابتدا تأثیر مداخله‌های پلیسی بر شاخص قیمت مواد مخدر بررسی می‌شود، سپس به پیامد برنامه‌های پلیسی در خصوص زمان دسترسی به مواد و درجه خلوص مواد پرداخته می‌شود و در بخش انتهایی، واکنش مصرف‌کنندگان و نتیجه حاصل از آن تشریح می‌گردد.

۱. مفهوم‌شناسی و روش پژوهش

پیش از ورود به بحث ضروری است مفاهیم اصلی تحقیق، پرسش‌های اصلی و روش جمع‌آوری داده‌های تحقیق به اختصار توضیح داده شود.

۱-۱. تعریف مفاهیم

شناخت حوزه مطالعه از جهت موضوعی در گام اول مستلزم آن است تا دو مفهوم به‌طور مشخص بررسی شود: نخست، سیاست‌های پلیسی که در حوزه کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر انجام می‌شود و دوم، ارزیابی اثربخشی.

۱-۱-۱. برنامه‌ها و سیاست‌های پلیسی

معمول‌ترین رویکرد پلیسی در حوزه بازارهای خریدوفروش مواد مخدر در چند دهه اخیر در نواحی مختلف دنیا، رویکرد «تسامح صفر» است. در ایالات متحده آمریکا جنگ با مواد مخدر^۱ در بخش پلیسی در قالب تدابیر نفی مدارا در برخورد با توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر شکل گرفت. در استرالیا نیز مقامات عدالت کیفری پیرو اعلام جنگ علیه مواد در سال ۱۹۹۹، از این رویکرد استفاده کردند. به این ترتیب، الگوی مسلط و غالب در این دوران رویکردهای نفی مدارا بوده است (Aitken et.al, 2003: 193).

بر این پایه، تدابیر کاهش عرضه در مقایسه با تدابیر کاهش تقاضا در اولویت قرار می‌گیرند؛ هرچند که این تدابیر آثار ناگوار بهداشتی دربرداشته باشد. به هر روی، اجرای سخت‌گیرانه، بدون اغماض و غیرقابل انعطاف قانون، محور اصلی این رویکرد را در بعد پلیسی تشکیل می‌دهد. هدف نهایی کاهش عرضه موجب می‌شود تا مأموران پلیس با ابزارهای مختلف به دنبال افزایش خطر بازداشت توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان و افزایش قیمت مواد در سطح بازارهای خریدوفروش مواد باشند تا فعالیت در آن حوزه را به تجارتي نامن و بسیار پرخطر مبدل سازند. همچنین، برقراری نظم و امکان کنترل جرائم در حوزه استحفاظی گرایش مأموران پلیس را به اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه تقویت می‌کند. در واقع، وجود بازارهای مواد مخدر به‌عنوان نقطه‌ضعف پلیس محسوب می‌شود و به همین جهت، مقام‌های پلیس برای نمایش قدرت خود، از روش‌های گوناگون برای کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر بهره می‌گیرند (Sampson, 2003: 243-244).

در این میان، برنامه‌های سرکوبی یکی از مهم‌ترین راهبردهای پلیسی با هدف اصلی کاهش عرضه مواد مخدر در بازارهای مواد است. اجرای برنامه‌های سرکوبی با افزایش تعداد مأموران مسئول مبارزه با مواد مخدر و گسترش تدابیر پلیسی در یک منطقه امکان‌پذیر خواهد بود؛ تدابیر گوناگونی که به‌صورت آشکارا یا مخفیانه درصد کشف مواد و بازداشت توزیع‌کنندگان مواد مخدر است. در این راستا، نیروهای پلیس از شگردهای متفاوتی، مانند عملیات‌های مخفیانه خریدوفروش، به‌کارگیری مخبرین بهره می‌گیرند.

بر این مبنا شناسایی بازارهای خریدوفروش مواد به‌عنوان مناطق جرم‌خیز و جذابیت‌زدایی از آن در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفته است. مدیران پلیس می‌کوشند تا با تدارک برنامه‌های سرکوبی هدفمند و غافل‌گیرانه و گشت‌های منظم، بساط بازارهای مواد را از محله‌ها برچینند و با مدیریت بهینه منابع و کسب مشروعیت برای سازمان پلیس به افزایش اثربخشی این تدابیر امیدوار باشند. به همین سبب، شناسایی کانون‌های جرم‌خیز مواد در محیط‌های شهری و سامان‌بخشی طرح‌های پلیسی برای ایجاد اختلال در آن به یکی از رویه‌های معمول پلیس در مبارزه با جرائم

1. War on Drug

۲. این راهبرد (Crackdown) به معنای «تشدید ناگهانی فعالیت‌های پلیسی و به‌طور خاص فعالیت‌های کنشی، به‌منظور افزایش چشم‌گیر تهدید دستگیری برای جرائم معین در شرایط یا مکان‌های خاص است.» (Davis and Lurigio, 1996: 86)

مواد مخدر تبدیل شده، به گونه‌ای که اساس طرح‌های مبارزه با مواد مخدر ملهم از چنین اقتضائاتی است (فرجیها، ۱۳۸۴: ۲۸۵-۲۸۲).

برنامه‌های نیروی انتظامی برای مقابله با عرضه مواد مخدر در ایران نیز تا حدود زیادی بر همین اندیشه مبتنی است. جلوه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در طرح‌های اجرایی در مناطق جرم‌خیز، همچون محله دروازه‌غار (هرندی)، دره فرحزاد، شوش، بازار تهران و دیگر مکان‌ها به‌طور آشکار مشاهده کرد. به همین دلیل، این مناطق هرازچندگاهی مشمول طرح‌های پلیسی قرار می‌گیرد. این طرح‌ها و برنامه‌ها در قالب عناوینی مختلف همچون «طرح مبارزه با سوداگران مرگ»، «طرح امنیت و آسایش»، «طرح امنیت محله‌محور»، «طرح امنیت اجتماعی»^۱ و «طرح محله پاک»^۲ در بسیاری از مناطق توزیع مواد مخدر اجرا می‌شوند. برای نمونه، به گفته رئیس پلیس تهران بزرگ، از ابتدای سال ۱۳۹۵ تاکنون بیش از ۱۵۰ طرح برخورد با موادفروشان در تهران به اجرا درآمده که در مقایسه با گذشته حدود ۳۲ درصد افزایش داشته است.^۳ جدای از این، با توجه به فراوانی جرائم مواد در جامعه، مقابله با این جرائم همواره جزء اولویت‌های پلیسی قرار گرفته است. از این رو، فارغ از طرح‌ها، مأموران پلیس در اجرای وظایف روزمره خود توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته‌اند.

تمرکز تدابیر پلیسی کنترل بازارهای مواد بر شاخص‌های سخت‌افزاری، مانند افزایش میزان دستگیری‌ها، بالا بردن میزان مواد مخدر کشف‌شده، طولانی‌تر کردن مدت زمان مورد نیاز برای دسترسی به مواد مخدر و در نهایت کاهش مصرف مواد مخدر است.^۴ به هر روی، بنا بر ادعای کارگزاران عدالت کیفری، اجرای تمامی تدابیر مذکور، پلیس را برای کاهش عرضه یاری رسانده و موفقیت آنان را در مبارزه با مواد مخدر تسهیل می‌سازد.

۱-۱-۲. ارزیابی اثربخشی

پژوهش‌های ارزیابی یکی از بااهمیت‌ترین نوع پژوهش‌های تجربی به شمار می‌آیند؛ چنانکه گونه‌های مختلف آن، همانند نیازسنجی، مبنای نظری، ارزیابی فرآیند، میزان اثربخشی و ارزیابی هزینه‌فایده می‌توانند با شناسایی نقاط ضعف و قوت برنامه یا سیاست و سنجش آثار مثبت و منفی آن، ادله تجربی فراوانی را برای سیاست‌گذاری کیفری فراهم آورد. در واقع، امکان استفاده از نتایج پژوهش‌های ارزیابی در مراحل مختلف سیاست‌گذاری و ارائه ادله تجربی بر این پایه، آن را به‌مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تدوین سیاست‌های عقلایی درآورده است. پژوهش‌های ارزیابی ممکن است ایده‌های قدیمی را به چالش کشیده و دیدگاه‌های جدید ارائه دهند. نتایج این تحقیقات می‌تواند با تأثیرگذاری بر فرایند سیاسی برای حذف و اصلاح مداخله‌های غیراثربخش به دولت‌ها کمک کند و در نهایت موجب بهبود فرایند سیاست‌گذاری شود.

1. <http://www1.jamejamonline.ir/newstext2.aspx?newsnum>

2. <http://www.irna.ir/fa/News/82285919/>

3. <http://www.isna.ir/news>

۴. برای نمونه، میزان مواد کشف‌شده در انگلستان و ولز بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ دو برابر شده است (McSweeney et.al, 2008:43).

به‌طور خاص، یکی از انواع پژوهش‌های ارزیابی، ارزیابی اثربخشی بوده است. مقصود از اثربخشی^۱ میزان دستیابی به اهداف تعیین‌شده در مداخله‌ها و سیاست‌ها است. برای تعیین میزان اثربخشی، باید تأثیر تدابیر موجود در برنامه بر دستیابی به اهداف تعیین‌شده، ارزیابی و سنجیده شود. در صورتی که برنامه به اهداف تعیین‌شده دست یابد، آن برنامه یا سیاست، اثربخش شناخته می‌شود (Rossi et.al. 2003). در این راستا، ارزیابی اثربخشی، گونه‌ای از ارزیابی است که به بررسی نتایج برنامه یا سیاست از منظر میزان دستیابی به اهداف مورد انتظار می‌پردازد.

در حوزه سیاست‌های پلیسی کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر، هدف نهایی با توجه به آنچه پیش‌تر اشاره شد، کاهش مصرف مواد مخدر در جامعه است که موفقیت در این هدف خود منوط به افزایش قیمت مواد از سوی فروشندگان، کاهش درجه خلوص و افزایش زمان دسترسی است. به همین جهت، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان دستیابی به اهداف از رهگذر برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای مواد است.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

ابعاد مختلف ارزیابی اثربخشی طرح‌ها و برنامه‌های پلیس برای کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر را که مسئله اصلی پژوهش است، می‌توان در قالب پرسش‌های گوناگونی مطرح کرد. پرسش اول اینکه تدابیر و اقدام‌های پلیس برای کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر چه تأثیراتی بر الگوی مصرف و نوع مواد مخدر مصرفی داشته است؟ به دنبال این پرسش، بعد دیگری از اثربخشی مطرح می‌شود و آن اینکه قیمت مواد مخدر چگونه ممکن است تحت تأثیر سیاست‌های پلیسی کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر دستخوش تغییر و تحول شود؟ تمرکز پرسش سوم بر پیامدها و آثار رویه‌های سخت‌گیرانه پلیس در قلمرو شاخص دسترسی به مواد مخدر است و در نهایت تأثیر عملکرد واحدهای مبارزه با مواد مخدر پلیس بر درجه خلوص مواد ارزیابی می‌شود.

۱-۳. روش پژوهش

روش پژوهش همانند مسیری است که چگونگی رسیدن به مقصد را برای پژوهشگر آشکار می‌سازد؛ به‌طوری که نادرستی آن ممکن است نتایج دستاوردهای علمی را با چالش روبه‌رو سازد. از این‌رو، گام اساسی برای پژوهشگر انتخاب روش مناسب برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق است. رویکرد این مقاله در پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق استفاده از روش کیفی است. پژوهش‌های کیفی پژوهش‌هایی است که یافته‌های آن با شیوه‌هایی غیر از شیوه‌های آماری یا هرگونه کمی‌کردن به دست آمده‌اند؛ یعنی پژوهشگر با کاوش در واقعیت‌های اجتماعی و تجزیه و تحلیل آن به تولید داده می‌پردازد. یکی از نکات مهم در حوزه پژوهش کیفی، توجه به مسئله تعمیم‌ناپذیری یافته‌ها است. بنابراین، توصیف و تحلیل پدیده‌های موضوع مطالعه به معنای امکان تسری نتایج آن به سایر

پدیده‌ها نیست. با وجود این، گاه ممکن است اظهارنظرهای کلی صورت گیرد؛ ولی این موضوع به معنای نقض این خصوصیت نخواهد بود.

پژوهش کیفی عموماً طی سه مرحله انجام می‌شود: مرحله اول، جمع‌آوری داده‌های پژوهش است که از طریق منابع مختلف همانند مصاحبه، مشاهده، تحلیل اسناد و مدارک صورت می‌گیرد؛ مرحله دوم، کدگذاری داده‌ها است که در آن مفاهیم داده‌های موضوع مطالعه استخراج و بر اساس ارتباط آن‌ها با مبانی نظری دسته‌بندی می‌شوند. در واقع، کدگذاری اطلاعات و مفاهیم برداشت شده از مصاحبه، مشاهده و... بر مبنای ارتباط با موضوعات مشابه مقوله‌بندی می‌شوند؛ مرحله سوم نیز نگارش نهایی یافته‌های حاصل از پژوهش خواهد بود (کاوسی و بیانانی، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۳۲).

در این پژوهش، از دو شیوه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد: نخست، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان اخبار و گزارش‌های منتشرشده در خبرگزاری‌ها، سایت‌ها و روزنامه‌ها توسط نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی، مانند ستاد مبارزه با مواد مخدر، مدیران ارشد نیروی انتظامی، مسئولان وزارت بهداشت و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان یکی از منابع گردآوری داده‌ها بررسی و در موارد متعددی به آن‌ها ارجاع گردید. دستیابی به این اطلاعات ارزشمند افزون بر آنکه اطلاعات و آمارهای توصیفی مهمی ارائه می‌کند، امکان تحلیل گفتمان مقام‌های مسئول در امر مبارزه با مواد مخدر را میسر می‌سازد؛

دوم، انجام مصاحبه‌های عمیق. این نوع مصاحبه‌ها امکان تحلیل ابعاد مختلف موضوع را میسر می‌سازند؛ در این شیوه از مصاحبه، با ارائه پرسش‌ها و توضیحات کلی به مصاحبه‌شونده اجازه داده می‌شود تا دیدگاه‌ها و پاسخ‌های خود را توضیح داده و در ضمن پژوهشگر در فرایند مصاحبه پرسش‌هایی را که طرح آن ضروری به نظر برسد، مطرح می‌کند.

انتخاب نمونه‌ها در پژوهش کیفی و از جمله مصاحبه‌های عمیق، غیر احتمالی است که عموماً از آن به‌عنوان «نمونه‌گیری هدفمند» یا «معیارمحور» تعبیر می‌شود. بر این اساس، مشارکت‌کنندگان، محیط‌ها و سایر واحدهای نمونه‌گیری بر پایه معیارهای خاص و مرتبط با درک موضوع اصلی پژوهش و در واقع از روی هدف توسط پژوهشگر انتخاب می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۵: ۱۳۵). همچنین، نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بر اساس اشباع نظری تعیین می‌شود. بنابراین، در صورتی که به اعتقاد پژوهشگر جمع‌آوری اطلاعات و دستیابی به یافته‌های مدنظر به حدی برسد که فراتر از آن تکرار مشاهده شود، این مرحله پایان می‌پذیرد. در حوزه مصاحبه عمیق، هرگاه مصاحبه‌شوندگان پاسخ‌های تکراری به پرسش‌های پژوهش دهند، به‌طوری‌که احتمال ارائه پاسخ جدیدی نباشد، مرز اشباع^۱ حاصل می‌شود. برای ارزیابی میزان اثربخشی برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای مواد، مصاحبه عمیق با دو گروه توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر صورت گرفت.

گروه اول، توزیع‌کنندگان مواد مخدر: برای انتخاب نمونه‌ها تعریف عملیاتی از این اشخاص صورت گرفت که بر اساس آن فروشندگان و توزیع‌کنندگان کسانی هستند که در حال حاضر به فعالیت در حوزه توزیع و فروش انواع مواد مخدر مشغول هستند. میانگین فروش مواد توسط این

دسته از بزهکاران از یک گرم تا دو کیلوگرم اعلام گردید. در مجموع، با تعداد ۲۷ فروشنده در بازارهای خریدوفروش مواد مخدر (محل‌های دروازه‌غار، شوش و بازار تهران) مصاحبه عمیق صورت گرفته است.

گروه دوم، مصرف‌کنندگان مواد مخدر: بررسی برخی موضوعات از جمله شاخص‌های دسترسی، الگوی مصرف با توجه به افزایش قیمت مستلزم آن است که با مصرف‌کنندگان مواد مخدر نیز مصاحبه شود. در تعریف عملیاتی، مصرف‌کنندگان کسانی هستند که مواد مخدر مورد نیاز را برای مصرف روزانه یا هفتگی خویش از فروشندگان یا سایر توزیع‌کنندگان در بازار تأمین می‌کنند. بر اساس همان منطق پیشین با ۴۱ نفر از مصرف‌کنندگان^۱ در بازارهای خریدوفروش مواد مخدر (محل‌های دروازه‌غار، شوش و بازار تهران) مصاحبه شد.

پس از این مرحله و مکتوب‌نمودن متن مصاحبه‌ها، مرحله کدگذاری آغاز گردید. در این مرحله تلاش شد تا با مطالعه تحقیقات تطبیقی در خصوص پرسش‌های پژوهش کدگذاری نظری یا محتوایی داده‌ها حسب امکان انجام شود. نتایج حاصل از کدگذاری داده‌ها و سپس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش همراه با نتایج پژوهش‌های تطبیقی تلفیق و در بخش دوم در قالب یافته‌های پژوهش تشریح شد.

۲. یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل متن مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک و آمارهای پلیسی و قضایی به نظر می‌رسد یافته‌های پژوهش در خصوص میزان تأثیرگذاری برنامه‌های پلیس برای کنترل بازار مواد مخدر را بتوان در مواردی چون موقتی‌بودن افزایش قیمت مواد و افزایش میزان ناخالصی مواد ارائه کرد.

۱-۲. موقتی‌بودن افزایش قیمت مواد مخدر

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اثربخشی برنامه‌های پلیسی، کنترل قیمت مواد مخدر است. اختلال در فرایند توزیع مواد مخدر به دو شیوه می‌تواند موجب افزایش قیمت شود: اول، از طریق افزایش میزان کشفیات مواد؛ دوم از طریق افزایش خطر بازداشت. عرضه‌کنندگان نیز با به‌وجودآمدن چنین شرایطی به‌مثابه کنشگران عقلایی برای غلبه منافع ارتکاب جرم بر هزینه‌ها و افزایش سود ارتکاب جرم، قیمت مواد مخدر را افزایش می‌دهند. همچنین، ممکن است در چنین شرایطی با تشخیص افزایش خطر، بازارهای مواد را ترک کنند. به همین جهت، سنجش تأثیر مداخله‌های سخت‌گیرانه بر شاخص قیمت یا به عبارت بهتر کشف رابطه میان این دو متغیر هدفی است که در بسیاری از پژوهش‌های تجربی دنبال می‌شود.

۱. مشخصات توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مصاحبه‌شونده در بخش پیوست مقاله درج شده است.

مروری بر نتایج پژوهش‌های ارزیابی در این زمینه بیانگر یافته‌های متفاوت و گاه متعارض است. دسته‌ای از ارزیابی‌ها برآورد افزایش قیمت مواد مخدر را تأیید کرده‌اند و طرح‌های اجراشده توسط پلیس را در این زمینه اثربخش توصیف نمودند. برای نمونه، پولاک و روتر در پژوهش خویش در خصوص ارتباط میان برنامه‌های سخت‌گیرانه و قیمت مواد شواهدی را برای افزایش قیمت مواد در اثر تدابیر کیفری شدید را ارائه کرده‌اند (Pollack and Reuter, 2014:1963-1964).

با این حال بیشتر پژوهش‌های موجود، مداخله‌های پلیسی را از حیث کنترل قیمت مواد مخدر فاقد اثربخشی توصیف نمودند. در این میان، بر اساس نتایج برخی مطالعات هیچ رابطه‌ای میان شدت مداخله‌های کیفری و قیمت مواد مخدر وجود نداشته است. برای نمونه، بست و همکاران در مطالعه‌ای که بعد از اجرای رویکردهای سخت‌گیرانه پلیسی در انگلستان انجام دادند، تغییری در قیمت مواد ملاحظه نکردند. در پژوهش مذکور با ۱۷۴ نفر از مصرف‌کنندگان مصاحبه شد؛ از این تعداد ۱۱۹ نفر (معادل ۸۶ درصد) بیان کردند که اجرای طرح تأثیری بر قیمت مواد نداشته است. ۱۸ درصد حتی به کاهش قیمت اشاره کردند و تنها ۲ درصد افزایش قیمت را تأیید نمودند (Best et al. 2001:738).

یوان و کالکنیز نیز در پژوهش خویش با بررسی اقدام‌های پلیسی برای کنترل بازارهای سطح بالای مواد مخدر و کاوش پیرامون داده‌های مربوط به میزان کشفیات کوکائین و هرویین، به هیچ‌گونه یافته‌ای مبنی بر تأثیر این تدابیر بر افزایش قیمت مواد دست نیافتند (Yuan and Caulkins, 1998:275). یافته‌های پژوهش آن‌ها حتی نشان داد که به هنگام افزایش کشفیات کوکائین، قیمت هرویین کاهش می‌یابد و به هنگام افزایش کشفیات هرویین قیمت کوکائین کاهش می‌یابد. علاوه بر این، دیناردو نیز در پژوهش دیگری ارتباط میان میزان کشفیات کوکائین و قیمت خرده‌فروشی آن را از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷ در آمریکا بررسی کرد و به این نتیجه رسید که میزان کشفیات مواد هیچ تأثیری در تقاضا و به تبع آن قیمت مواد نداشته است. (DiNardo, 1993:63-64).

برخی دیگر از پژوهش‌ها تأثیر برنامه‌های پلیسی را بر کاهش قیمت مواد مخدر تأیید کردند. برای نمونه، ورب و همکاران در مطالعه خویش به این نتیجه رسیدند که اختلال در عرضه مواد مخدر با هدف افزایش قیمت با شکست مواجه شده است؛ قیمت هر گرم هرویین، کوکائین و ماری‌جوانا در آمریکا در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ به ترتیب ۸۰ و ۸۱ و ۸۶ درصد کاهش داشته است (Werb et al, 2013). همچنین، بر اساس مطالعه پورت از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۸ قیمت کوکائین در سطح خرده‌فروشی از ۴۰۰ سنت به ۱۷۰ سنت و قیمت هرویین نیز ۵۰ درصد در آمریکا کاهش داشته است (Poret, 2002: 466).

در استرالیا نیز علی‌رغم افزایش شدت برنامه‌ها و کاهش عرضه هرویین و ماری‌جوانا در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، قیمت هر گرم کوکائین ۱۴ درصد، و هرویین و ماری‌جوانا ۴۹ درصد کاهش داشته است (Werb et al, 2013:2). برایت و ریتر نیز با بررسی پژوهش‌های موجود در ایالات متحده و استرالیا، کاهش قیمت مواد را علی‌رغم برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای خریدوفروش

مواد مخدر تأیید نمودند (Bright and Ritter, 2010: 361). در انگلستان نیز به گواهی پژوهش‌ها از سال ۲۰۰۰ میانگین قیمت مواد به صورت مستمر برای هرویین، کوکابین، اکستازی و کانابیس با کاهش مواجه بوده است (McSweeney et.al, 2008: 40). کاهش تدریجی قیمت هر گرم هرویین و کوکابین در بریتانیا در پژوهش‌های دیگر نیز تأیید شده است (May and Hough, 2001:142).

بر این اساس، به نظر می‌رسد در مطالعات تطبیقی رابطه برنامه‌های پلیسی کنترل بازار خریدوفروش مواد مخدر، نه تنها موجب افزایش قیمت انواع مواد مخدر نشده است، بلکه در بسیاری از موارد کاهش قیمت مواد را نیز به همراه داشته است. جدای از این، در صورتی می‌توان افزایش قیمت مواد را نشانه اثربخشی مداخله‌های پلیسی دانست که این افزایش قیمت تداوم داشته باشد و مقطعی نباشد. یافته‌های برخی از پژوهش‌های ارزیابی نشان می‌دهد که افزایش قیمت مواد مخدر فقط در بازه زمانی کوتاه اجرای طرح‌های کنترلی اتفاق افتاده و در طول زمان قیمت مواد مخدر روند نزولی داشته است.

یافته‌های حاصل از پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز در بسیاری از موارد بیانگر فقدان اثربخشی برنامه‌های پلیسی برای تداوم افزایش مواد مخدر است؛ به طوری که قیمت مواد با آغاز برنامه‌ها و طرح‌های مختلف کنترل بازارهای مواد افزایش یافته و پس از مدت کوتاهی مجدداً کاهش می‌یابد. بر اساس آمارهای موجود پس از افزایش شدت مداخله‌های پلیسی برای کنترل بازارهای خریدوفروش شیشه و تلاش برای افزایش قیمت آن در قالب طرح‌های مقابله با لابراتورهای تولید شیشه و عرضه‌کنندگان و خرده‌فروشان این مواد، قیمت شیشه از اواسط تابستان ۱۳۹۴ هم در سطح عمده‌فروشی و هم در سطح خرده‌فروشی با افزایش مواجه شد. چنانکه در سطح خرده‌فروشی قیمت هر گرم شیشه از ۳۰،۰۰۰ تومان به ۹۰،۰۰۰ تومان رسید. به موازات افزایش قیمت شیشه، قیمت هر گرم هرویین نیز افزایش یافت و از ۱۲۰۰۰ تومان به ۲۵۰۰۰ تومان رسید.^۱ در سطح عمده‌فروشی نیز قیمت شیشه افزایش یافته است. در این زمینه به گفته سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر، «شیشه ۱۷۴ درصد در خرده‌فروشی و ۱۸۵ درصد در عمده‌فروشی افزایش قیمت نسبت به سال گذشته (۱۳۹۳) داشته که قیمت هر کیلوی آن در عمده‌فروشی ۱۸۳ میلیون تومان و در خرده‌فروشی ۵۲ میلیون تومان بوده است.»^۲ بنابراین، به موازات افزایش شدت مداخله‌ها، عرضه‌کنندگان با توجه به افزایش خطر، قیمت مواد مخدر را افزایش دادند.

با وجود این، یافته‌های حاصل از مصاحبه با ۲۷ فروشنده و ۴۱ مصرف‌کننده مؤید کاهش تدریجی قیمت شیشه و هرویین در بازارهای مواد است. بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان قیمت هر گرم شیشه از ۷۰،۰۰۰ تومان در آذر ماه ۱۳۹۴ به حدود ۵۰،۰۰۰ تا ۶۰،۰۰۰ تومان در بهمن و اسفند ۱۳۹۴ رسید. قیمت هرویین نیز با وضعیتی مشابه در بهمن ماه ۱۳۹۴ به ۲۰،۰۰۰ تومان به ازای هر گرم کاهش یافت. همچنین، برخلاف انتظار مدیران نیروی انتظامی مبنی بر گرایش

1. <http://www.yjc.ir/fa/print/5592833>

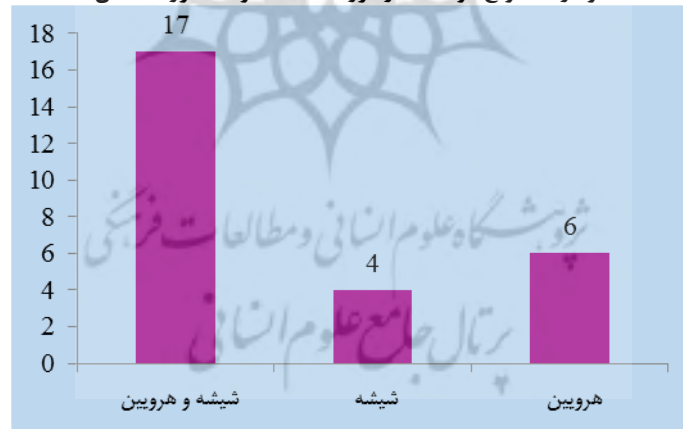
2. <http://fardanews.khabargoy.ir/page-687974.html>

همان‌طور که بیان گردید، آمار مذکور از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر ارائه شده است.

مصرف‌کنندگان به مصرف تریاک (به دنبال کاهش عرضه شیشه) و به تبع آن افزایش قیمت تریاک، این ماده مخدر با کاهش قیمت مواجه بوده است؛ چنانکه در سال ۱۳۹۳ قیمت آن در هر مثقال ۹۷۵،۲ تومان بود، در سال ۱۳۹۴ و علی‌رغم افزایش شدت برنامه‌ها با کاهش ۳۴ درصدی مواجه شده است. بنابراین، علی‌رغم افزایش شدت مداخله‌ها قیمت مواد مخدر تنها در دوران کوتاهی افزایش داشته و پس از آن در حال کاهش است. اظهارات سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز مؤید این موضوع است: «امسال (۱۳۹۵) با کاهش شیشه مواجه بودیم. قیمت شیشه در سال‌های گذشته ۱۲۰ میلیون تومان بوده که الان به ۴۰ میلیون تومان رسیده است»^۱ مشاهده چنین فرایندی نشان‌دهنده آثار کوتاه‌مدت مداخله‌ها و عدم تداوم افزایش قیمت مواد و حتی کاهش قیمت آن است.

بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، یکی از دلایلی که به موجب آن قیمت مواد با کاهش روبه‌رو می‌شود، به عملکرد عرضه‌کنندگان برمی‌گردد. عکس‌العمل هیچ‌یک از عرضه‌کنندگان به دنبال افزایش قیمت و کاهش عرضه مواد، ترک بازارهای مواد نبوده است. برعکس آنان با توجه به افزایش قیمت و به تبع آن با انگیزه کسب سود بیشتر به فروش مواد ادامه دادند. در نمودار ذیل عملکرد ۲۷ فروشنده مصاحبه‌شده حسب نوع مواد فروخته‌شده ترسیم شده است.

نمودار ۱- انواع مواد مخدر فروخته شده توسط فروشندگان



به باور بسیاری از توزیع‌کنندگان (۶۲/۹۶ درصد) افزایش قیمت شیشه نه تنها موجب بی‌میلی آن‌ها نسبت به فروش این ماده نشده است، بلکه سود بیشتری برایشان دارد. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ که دو سال سابقه فروش مواد دارد، بیان می‌کند: «معلومه شیشه درآمدش خیلی بیشتر از دوا (هرویین) است. شیشه رو ۳۰،۰۰۰ می‌خری ولی ۷۰،۰۰۰ می‌فروشی؛ یعنی با این گرون‌شدن اگه مشتری‌هاتو داشته باشی، می‌تونی خیلی سود کنی» ۱۴ درصد از

1. <http://www.fardanews.com>

فروشنندگان نیز فروش هرویین را به جهت وجود مشتریان بیشتر، سودآورتر دانسته و به فروش آن ادامه دادند. نتیجه چنین امری ادامه‌ی عرضه‌ی مواد از سوی عرضه‌کنندگان در بازارهای مواد است. بر اساس نظریه‌های اقتصادی، افزایش عرضه‌ی مواد در بازار موجب کاهش قیمت مواد مخدر می‌شود. وجود عرضه‌کنندگان در بازارهای مواد و ادامه‌ی عرضه‌ی مواد از سوی آنان یکی از عوامل تأثیرگذار در کاهش قیمت مواد است. در این خصوص، عدم ترک بازارهای مواد مخدر از سوی فروشنندگان و حتی تقویت انگیزه‌های مالی آنان با توجه به افزایش قیمت مواد در بلندمدت موجب تعادل عرضه و تقاضا و کاهش قیمت می‌شود. در نهایت، برنامه‌های پلیسی به جای آنکه منجر به اختلال در بازارهای مواد شوند، با افزایش موقت قیمت موجبات سوداندوزی عرضه‌کنندگان را فراهم کرده و در بلندمدت نیز با توجه به حضور عرضه‌کنندگان برای کسب سود، موجب کاهش قیمت مواد می‌شوند.

۲-۲. سهولت در دسترسی به مواد مخدر

یکی از هدف‌های مداخله‌های پلیسی در بازار خریدوفروش مواد مخدر بالابردن مدت زمان مورد نیاز برای تهیه مواد مخدر و دسترسی به آن است تا از این رهگذر برخی از مصرف‌کنندگان نسبت به آن بی‌رغبت شوند. در این برنامه‌ها تلاش بر این است تا با افزایش میزان کشفیات و جمع‌آوری مواد، دسترسی به مواد برای مصرف‌کنندگان مشکل‌تر شده و به همین جهت بازارهای مواد را ترک کنند. بر این اساس، تأخیر در دسترسی به مواد یکی از شاخص‌های ارزیابی اثربخشی برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای مواد محسوب می‌شود. در این راستا، محور برخی پژوهش‌ها به بررسی ارتباط میان مداخله‌های پلیسی و زمان دسترسی به مواد معطوف شده است.

یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف بیانگر آن است که به‌رغم اجرای برنامه‌های کنترلی، این هدف در بسیاری از موارد محقق نمی‌شود. به باور پژوهشگران، رویکرد جنگ با مواد مخدر در آمریکا که از دهه‌ی هشتاد آغاز گردید، نه‌تنها مواد مخدر را از دسترسی خارج نکرد، بلکه با تأثیر معکوس، مواد پرخطری مانند هرویین و کوکائین، فراوان‌تر و دردسترس‌تر شدند (Poret, 2002: 465-466). در استرالیا نیز بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در سال ۲۰۱۲، دسترسی به مواد برای بیشتر مصرف‌کننده‌ها آسان یا بسیار آسان توصیف شده است (Alex Wodak, 2014:192). در اسکاتلند نیز مطالعه کیستر و راو نشان‌دهنده‌ی دسترسی فراوان به مواد مخدر هرویین و ماری‌جوانا است (Cyster and Rowe, 2006). بست و همکاران نیز با استفاده از روش مصاحبه عمیق با ۱۷۴ مصرف‌کننده پس از گذشت دو هفته از شروع طرح‌های سرکوبی پلیس، این برنامه‌ها را از حیث افزایش میزان دسترسی، فاقد اثربخشی دانست؛ به‌طوری‌که حتی ۱۴ درصد از مصاحبه‌شوندگان پژوهش اخیر افزایش میزان دسترسی به مواد مخدر را تایید کردند (Best et al. 2001).

پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان داد که به‌رغم آمارهای موجود مبنی بر افزایش کشفیات سالانه‌ی مواد مخدر، دسترسی به مواد آسان است. اذعان به دسترس‌پذیری مواد مخدر در گفتمان

مقام‌های رسمی نیز بارها تکرار شده است. برای نمونه، با وجود افزایش شدت تدابیر کنترلی پلیس نسبت به مواد مخدري مانند هرویین و شیشه از اوایل سال ۱۳۹۴، اظهارات رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۵ مبنی بر زمان دسترسی کوتاه به مواد تأمل‌برانگیز است. به گفته ایشان «در تهران افراد می‌توانند ظرف ۵ تا ۱۰ دقیقه به مواد مخدر مورد نظر خود دست یابند»^۱

سخنان قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در خصوص دسترسی خیلی سریع به مواد برای مصرف‌کنندگان حرفه‌ای نیز شاهدهی بر این موضوع است.^۲ دسترسی بسیار آسان به مواد در اظهارات رئیس کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر نیز بازتاب یافته است. به گفته ایشان «دسترسی به مواد مخدر بسیار آسان شده و زمان دسترسی تا دو دقیقه هم کاهش یافته است»^۳

نتایج حاصل از مصاحبه با ۴۱ نفر از مصرف‌کنندگان مواد نیز آسان‌بودن دسترسی به مواد را تأیید می‌کند. اکثریت مصاحبه‌شوندگان (۳۸ نفر) این زمان را حداکثر ۱۵ دقیقه و تنها ۳ نفر ۲۰ دقیقه را نیز عنوان نمودند. این موضوع تا اندازه‌ای است که در هر قسمتی از شهر اعم از خیابان، میدان، کوچه، پارک یا حتی درب منزل می‌توان مواد مخدر را خریداری کرد. برای نمونه، مصرف‌کننده شماره ۸ گفت: «من موادم را یک دقیقه می‌گیرم. کاسب بیشتر از مصرف‌کننده در پارک شوش و میدان مولوی هست» در واقع، تعداد فروشندگان و خدمات‌دهی متنوع آنان تا اندازه‌ای است که مصرف‌کنندگان می‌توانند مواد مورد نیاز خود را به روش‌های گوناگون و در زمان‌های متفاوت تأمین کنند. مصرف‌کننده شماره ۱۱ نیز به سهولت خرید مواد اشاره می‌کند و می‌گوید: «من هر لحظه‌ای که اراده کنم حتی صبح می‌تونم تو هر ساعتی موادم رو بگیرم» در همین راستا، استفاده از تلفن یکی از ابزارهایی است که خرید را بسیار آسان‌تر می‌کند.

به باور تمامی مصاحبه‌شوندگان این موضوع اختصاص به نوع خاصی از مواد ندارد و هر ماده‌ای اعم از مواد پرخطر و کم‌خطر مانند حشیش، تریاک، شیشه، هرویین و... را به راحتی می‌توان تهیه کرد. مصرف‌کننده شماره ۲۱ به سهولت خرید هر ماده مخدر اشاره دارد: «تلفن هم داریم و دم دری هم هست و از تو خیابون هم شده بگیرم. هر نوعش رو که بخوای بگیري راحت گیر می‌آید.» این که مواد پرخطر همانند مواد کم‌خطر به آسانی در دسترس مصرف‌کنندگان باشد، اثربخش بودن مداخله‌ها را محل نقد قرار می‌دهد. تنها موضوع مهم، وجود پول برای تحقق خرید آسان و سریع است. مصرف‌کننده شماره ۱۳ در این خصوص بیان کرد: «به نظرم حرف اول رو پول می‌زند اگر پول داشته باشم یک دقیقه‌ای می‌گیرم. اگه پول نباشه طول می‌کشه تا مواد بگیرم» بر این اساس، به نظر می‌رسد افزایش میزان کشفیات مواد مخدر راه‌حلی برای افزایش زمان دسترسی به مواد و به تبع آن ترک مصرف مواد محسوب نشود؛ چراکه ممکن است با وجود کشفیات فراوان، مواد مخدر همچنان در دسترس شناخته شود. این موضوع به معنای محقق‌نشدن کاهش مصرف مواد به‌عنوان هدف نهایی راهبرد مقابله با عرضه است.

1. <http://www.mizanonline.ir/fa/news/229366>

2. <http://kheybaronline.ir/fa/news>

3. <http://nedaesfahan.ir>

۳-۲. افزایش ناخالصی مواد؛ افزایش سود عرضه‌کنندگان

یکی از شاخص‌های سنجش اثربخشی مداخله‌های پلیسی میزان کاهش درجه خلوص مواد مخدر^۱ است. کاهش درجه خلوص به نوبه خود موجب کاهش مصرف از سوی مصرف‌کنندگان می‌شود. کاهش درجه خلوص و به تبع آن کاهش مصرف، در نهایت سود فروش مواد را کاهش داده و فروشندگان را نسبت به عرضه این مواد بی‌ رغبت می‌سازد. به بیانی دیگر، درجه خلوص در صورتی می‌تواند به عنوان یک شاخص معتبر برای ارزیابی موفقیت بازارهای خرید و فروش مواد مستند قرار گیرد که در عین اینکه به صورت مستمر پایین باشد، موجب کاهش سود فروشندگان نیز شود.

برخی از پژوهش‌های تجربی به بررسی تأثیر تدابیر کنترلی پلیس بر درجه خلوص مواد مخدر پرداخته‌اند. در پژوهشی که در خصوص انجام عملیات پلیسی در لندن از نوامبر ۲۰۰۰ آغاز شد، با وجود بازداشت بیش از ۲۴۱ نفر، ادله تجربی کمی برای حمایت از تأثیرگذاری مداخله‌های پلیسی شدید بر درجه خلوص موادی مانند کراک، هرویین و کوکائین مشاهده شد (Best et al. 2001).

بر اساس نتایج گروه دیگر مطالعات، با تدابیر کنترلی پلیس کاهش درجه خلوص رخ داد؛ ولی این امر اصولاً موقتی بوده و پس از مدتی به حالت اولیه برگشته و حتی در مواردی میزان آن افزایش داشته است. بر پایه نتایج پژوهش‌ها، همراه با افزایش قیمت، درجه خلوص و کیفیت مواد کاهش یافته و پس از کاهش قیمت درجه خلوص به میزان قبلی خود باز می‌گردد. بر اساس مطالعه ورب و همکاران علی‌رغم کاهش قیمت پس از یک دوره مداخله، درجه خلوص مواد از سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است که این امر نگرانی جدی در حوزه کنترل بازارهای مواد ایجاد می‌کند (Werb et al, 2013).

مطالعه دوبکین و نیکوسا نشان داد به‌رغم کاهش ۵۰ درصدی قیمت مت‌آفتامین به دنبال تدابیر پلیسی و کاهش درجه خلوص مواد از ۹۰ درصد به ۲۰ الی ۲۷ درصد، این سیر نزولی اثری کوتاه‌مدت داشت؛ چراکه درجه خلوص در طول ۱۸ ماه بعد به سطح اولیه پیشین رسید (Dobkin and Nicosia, 2009). همچنین، بر اساس یک مطالعه دیگر در خصوص مت‌آفتامین، از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰، قیمت هر گرم این ماده کاهش و در عین حال درجه خلوص آن ۴۴ درصد (از ۳۹ درصد به ۸۳ درصد) افزایش داشته است. بر اساس داده‌های موجود در انگلستان نیز پس از افزایش کشفیات پلیسی در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، درجه خلوص برای کراک، پایدار (۶۵ درصد) بوده و برای هرویین افزایش داشته است (از ۴۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است). (Reed, 2007).

ارزیابی مداخله‌های نیروی انتظامی ایران در کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر نیز بیانگر کاهش درجه خلوص مواد مخدر بوده است. یکی از این پژوهش‌ها مطالعه ۲۹۶ نمونه هرویین در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ از حیث میزان ناخالصی بود که آن‌ها را در سه گروه A, B, C قرار داد. در دسته A هرویین بدون افزودنی دارویی قرار گرفت که میزان آن در ۱۳۹۱، ۶/۴۹ درصد و در

سال ۱۳۹۲، ۴۱/۲ درصد بوده است. هرویین دسته B و دسته C دارای افزودنی‌های دارویی مانند استامینوفن، کافئین بوده که به منظور افزایش حجم هرویین به آن اضافه می‌گردید. از مجموع نمونه‌ها، ۶/۳۶ درصد در سال ۱۳۹۱ و ۵۴ درصد در سال ۱۳۹۲، در گروه B و C قرار داشتند که بیانگر افزایش میزان ناخالصی‌های هرویین است. همچنین، ۱۳/۷ درصد نمونه‌ها در سال ۱۳۹۱ و ۱۴/۹ درصد نمونه‌ها در سال ۱۳۹۲ فاقد هرویین شناخته شدند (رنجکش، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۸). در مجموع بیش از ۵۰ درصد از هرویین‌های موجود در هر دو سال دارای ناخالصی (و فاقد هرویین) معین شده است. در پژوهش دیگری در تهران از میان ۵۰ مصرف‌کننده، چهار پنجم آنان ناخالصی‌ها و کیفیت بسیار بد کراک را تأیید کردند (فرهودیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰۶-۳۰۷). در تحقیق انجام‌شده توسط مؤسسه داریوش نیز ناخالصی شیشه به نسبت زمان اولیه ورود آن به کشور افزایش یافته، به طوری که شیشه در اوایل مصرف به صورت بلورهای شفاف بوده، ولی در سال ۱۳۸۹ به صورت نیمه شفاف، نیمه کدر و گاه کدر بوده است که می‌تواند به دلیل مواد افزودنی خطرناک باشد (زکریایی، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

تأثیر تدابیر کنترلی پلیس بر افزایش درجه ناخالصی مواد مخدر را می‌توان در اظهارنظرهای مقام‌های مسئول مبارزه با مواد مخدر در ایران نیز مشاهده کرد. برای نمونه، رئیس کارگروه کاهش تقاضای مواد مخدر کمیسیون مبارزه با مواد مخدر، وجود ناخالصی‌های فراوان پس از افزایش شدت مقابله در حوزه شیشه از سال ۱۳۹۴ را تأیید می‌کند و می‌گوید: «با توجه به افزایش قیمت شیشه، سودجویان راهکاری برای فروش شیشه از طریق تبلیغات کذب اما با قیمت پایین‌تر را به مصرف‌کنندگان مواد مخدر پیشنهاد می‌دهند که در این نوع شیشه ناخالصی زیادی دارد. قیمت این نوع شیشه با ناخالصی فراوان ۳۰ تا ۴۰ درصد پایین‌تر از قیمت شیشه با ناخالصی کمتر است و این نوع تبلیغات به خاطر وجود ناخالصی فراوان است»^۱

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران نیز با تأکید بر وجود ناخالصی‌های زیان‌آور برای مصرف‌کنندگان در این زمینه اظهار داشت: «کیفیت مواد مخدر افت کرده است، به گونه‌ای که مواد اضافه شده و ناخالصی‌های موجود در مخدرها خطر جانی برای مصرف‌کنندگان به همراه دارد»^۲

علاوه بر این، رئیس مرکز ترک اعتیاد تهران ضمن اشاره به تغییر نوع مواد مصرفی، افزایش میزان ناخالصی در مواد را تأیید می‌کند. وی می‌گوید: «بعد از فروکش کردن کراک به سمت هرویین رفته‌اند و با توجه به قیمت به عرضه مواد دارای ناخالصی اقدام نمودند. بر اساس مراجعات معتادان و مشاهدات موجود، مصرف هرویین دوباره بازگشته است و بیشتر معتادان به مصرف آن گرایش پیدا کرده‌اند. از داروهای روان‌گردان برای افزایش حجم مواد مخدر استفاده می‌کنند که الان به عنوان هروئین خیابانی مطرح شده است»^۳

1. <http://www8.irna.ir/fa/News/81673272/>

2. <http://www.farhangnews.ir/content/89206>

3. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13920715001300>

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز کاهش کیفیت و خلوص مواد را تأیید می‌کند. تمام مصاحبه‌شوندگان اعم از فروشنده یا مصرف‌کننده نسبت به کاهش کیفیت مواد اعم از هرویین یا شیشه در سال‌های اخیر در مقایسه با سال‌های پیشین اتفاق نظر داشتند. تمامی پاسخ‌گویان فروشنده با اشاره به کیفیت بسیار نامطلوب مواد، افزودن ناخالصی را به توزیع‌کنندگان و تولیدکنندگان نسبت داده‌اند. فروشنده زن شماره ۳ معتقد است: «وقتی که جنس مخصوصاً کمتر شود، بالایی‌ها توش جوهر نمک می‌زنند. نمک چیزی است که جنس را خراب نمی‌کند.» مصرف‌کننده شماره ۳۶ که دارای هفت سال سابقه مصرف مواد است، در تأیید این موضوع بیان کرد: «دوست دارم یک بار هرویین اون زمان را بکشم و دیگه نکشم. شیشه هم همین‌طور است.

قبلاً با یہ دود دو روز نمی‌خوابیدی ولی الان با شیشه هم غذا می‌خوری و هم می‌خوابی.»

بر اساس یافته‌های موجود، کاهش درجه خلوص به واسطه مداخله‌های پلیسی در ایران مشهود است. لکن، به نظر می‌رسد برخلاف نتایج پژوهش‌های خارجی، بازگشت درجه خلوص به حالت اولیه محل تأمل بسیار باشد. هرچند امکان سنجش این موضوع به‌طور دقیق به دلیل انجام نیافتن تحقیقات تجربی میسر نیست؛ ولی می‌توان بر اساس برخی شواهد این امر را استنباط کرد که در بازارهای مواد مخدر ایران بازگشت درجه خلوص در کوتاه‌مدت اتفاق نمی‌افتد.

در این خصوص، مصاحبه‌شوندگان زمان تقریبی کاهش کیفیت شیشه را از حدود سال ۱۳۸۹ به بعد عنوان نموده و روند نزولی کیفیت آن را تأیید کردند. نکته جالب آنکه در طول این سال‌ها در بازه‌های زمانی مختلف قیمت مواد گاهی کاهش و گاه افزایش داشته است؛ لکن به باور مصاحبه‌شوندگان تغییرات قیمت تأثیری در کیفیت مواد نگذاشته و حتی در مواقعی که قیمت مواد کاهش می‌یابد نیز درجه خلوص بهبود نمی‌یابد. مصرف‌کننده شماره ۳۵ در این خصوص می‌گوید: «می‌دونید جنس‌ها اشغال شده فرقی نداره موقعی که ۳۰۰۰۰ تومان هم بود همین‌طوری بود و الان که ۶۰،۰۰۰ تومان هم هست همین‌طوری است.» فروشنده شماره ۲۰ نیز در این زمینه می‌گوید: «قیمت‌ها بعضی وقت‌ها بالا می‌رود و بعضی وقت‌ها پایین می‌آید ولی کیفیت همون‌طور پایین باقی مانده است. حتی وقتی که قیمت کم بود مثل پارسال باز هم کیفیت نداشت.»

بازنگشتن درجه خلوص به حالت پیشین و حتی کاهش مستمر کیفیت آن، اثربخشی مداخله‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در مطالعات تطبیقی، با کاهش قیمت مواد درجه خلوص افزایش می‌یابد؛ ولی در ایران درجه خلوص در حال کاهش بوده و به حالت پیشین برنگشته است. در واقع، تصور بر این است با کاهش قیمت مواد، فروشندگان مجبورند برای جذب مشتری و کسب سود، مواد دارای خلوص بالا را عرضه کنند. ولی در ایران عکس این موضوع مشاهده می‌شود؛ یعنی، علی‌رغم کاهش قیمت هم‌چنان فروشندگان به عرضه مواد دارای ناخالصی بالا اقدام می‌کنند. اینکه حتی در زمان کاهش قیمت نیز مواد مخدر دارای ناخالصی بالا باشد، به معنای عدم اثربخشی مداخله‌ها است؛ چراکه عرضه مواد دارای ناخالصی زیاد در نهایت به سود توزیع‌کننده و به ضرر مصرف‌کننده تمام می‌شود. بدین ترتیب، افزودن ناخالصی‌ها (ترکیبات شیمیایی ارزان قیمت)، موجب افزایش سود تولیدکنندگان و فروشندگان و به تبع آن افزایش رغبت آنان برای ادامه توزیع

این ماده در بازارهای مواد می‌شود. فروشندهٔ مرد ۳۳ ساله که مدت ۴ سال در توزیع مواد فعالیت دارد (مصاحبه‌شونده شماره ۲۵) به چرایی افزایش سود فروشندگان اشاره می‌کند و می‌گوید: «به نظر من فروش شیشه سودش خیلی بیشتر از هرویین است. نصف نصف سود است. چون توش پنتو و آنتی‌هیستامین و هر چیزی که بتوانند رو قاطی می‌کنند و به مشتری‌ها می‌دهند.»

در این زمینه، اظهارات مدیر کل مقابله با عرضه ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۰ مؤید جریان افزایش ناخالصی مواد به دنبال افزایش کشفیات و رابطهٔ آن با سوداندوزی بزهکاران است. «هرچه سطح برخورد و کشفیات بیشتر می‌شود، سودجویان و پخش‌کنندگان به‌منظور جذب مشتری و ارائهٔ مواد با قیمت پایین‌تر، میزان ناخالصی مواد را افزایش می‌دهند. طبق گزارش‌های آزمایشگاه پلیس، هم اکنون ۳۰ تا ۸۰ درصد مواد مخدر موجود در بازارهای مواد دارای انواع ناخالصی است. موادی مانند چنته^۱ در شیشه و سایر ترکیبات در مواد مخدر افیونی هست: قیمت یک بسته چنته هزار تومان است و وقتی یک بسته آن را در یک ماده مخدری که قیمتش ۸ میلیون تومان است می‌ریزند، سود زیادی نصیب سودجویان می‌شود.»^۲

بر این اساس، فروشندگان مواد مخدر، خواه در صورت افزایش قیمت و خواه در صورت کاهش قیمت، به عرضهٔ مواد دارای ناخالصی می‌پردازند. وجود چنین جریانی با توجه به ناخالصی مواد موجب افزایش سود عرضه‌کنندگان و استمرار عرضهٔ این مواد و در نهایت فقدان اثربخشی تدابیر کنترلی می‌شود؛ چراکه نه تنها فروشندگان، بازارهای مواد را به واسطهٔ کاهش عرضهٔ مواد ترک نمی‌کنند، بلکه با توجه به سود موجود در ارائهٔ بسته‌های دارای ناخالصی، منافع مالی خود را از بازارهای مواد افزایش می‌دهند. آن چه این استدلال را تقویت می‌کند، واکنش مصرف‌کنندگان در بازارهای مواد به ارائهٔ چنین موادی است. در میان ۴۱ مصرف‌کنندهٔ مورد مطالعه، هیچ‌یک از آنان کاهش کیفیت مواد مخدر را علت قطع مصرف آن ماده ندانستند. این امر بیانگر وجود تقاضا و بازارهای مواد مصرف برای ادامهٔ عرضهٔ مواد مخدر است.

۲-۴. عدم کاهش و تغییر الگوی مصرف

در هر دو راهبرد مقابله با تقاضا و عرضهٔ کاهش مصرف به‌عنوان هدف نهایی مداخله‌ها در نظر گرفته شده است. لکن، برنامه‌های مقابله با عرضه درصددند تا با تمرکز بر افزایش قیمت مواد، موجب اختلال در عرضه و کاهش عرضهٔ مواد در جامعه شوند. با توجه به اصل انعطاف‌پذیری تقاضا در برابر قیمت، مصرف‌کنندگان نیز به دنبال افزایش قیمت و کاهش عرضهٔ مواد نسبت به ادامهٔ مصرف بی‌میل می‌شوند. از این رو، زمانی می‌توان این برنامه‌ها را موفق و اثربخش ارزیابی کرد که میزان مصرف مواد در جامعه کاهش و در مقابل میزان ورود آنان به فرایندهای درمانی ترک مواد

۱. چنته ماده‌ای اسیدی است که برای باز کردن لوله‌های فاضلاب به کار می‌رود. چون ظاهرش شباهت زیادی به شیشه دارد آن را با شیشه مخلوط می‌کنند و مصرف‌کنندهٔ این مواد تمام سیستم گوارشی و تنفس خود را از بین رفته می‌بینند.

2. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13901026001515>

افزایش یابد. به همین جهت، پژوهش‌های متعددی به بررسی ارتباط میان مداخله‌های ناظر بر عرضه مواد و میزان مصرف مواد پرداختند.

یافته‌های برخی از پژوهش‌ها مؤید ارتباط معکوس میان افزایش قیمت و میزان مصرف است. برای نمونه، بر اساس مطالعه رودز و همکاران، مصرف‌کنندگان ماری‌جوآنا و مت‌آمفتامین به قیمت مواد پاسخ‌گو بوده و با افزایش قیمت میزان مصرف را کاهش می‌دهند. در خصوص هرویین نیز با وجود محدودیت داده‌های مورد مطالعه، کاهش مصرف هرویین در صورت افزایش قیمت تأیید شد (Rhodes, 2000: 89-91). برتویل و همکاران نیز بر اساس مصاحبه با ۲۵۰۰ نفر که در برنامه‌های تجویز سرنگ که در طول دوره هفت ساله انجام شد، شرکت کردند، انعطاف‌پذیری مصرف‌کنندگان نسبت به قیمت و کاهش مصرف را تأیید کردند (Bretteville et.al, 2002). نتایج پژوهش بروس و همکاران نیز بیانگر وجود ادله تجربی هماهنگ با تأثیرپذیری مصرف‌کنندگان از قیمت و کاهش مصرف است (Burrus et.al, 2007: 81). بر اساس مطالعه وترمن و لیند، با مطالعه داده‌های موجود در بخش درمان، مصرف‌کنندگان از فوریه ۱۹۹۳ تا ژانویه ۱۹۹۵ انعطاف‌پذیری تقاضای مصرف هرویین در برابر افزایش قیمت را تأیید کردند. در این پژوهش ۶۷ درصد از مصاحبه‌شوندگان علت ورود به فرایندهای درمانی را افزایش قیمت هرویین عنوان کردند (Weatherburn and Lind, 2007: 567). چالمر و همکاران نیز به مطالعه این موضوع در میان ۱۰۱ نفر از مصرف‌کنندگان شیشه پرداخته و اثر افزایش قیمت را بر کاهش مصرف تأیید کردند (Chalmers et.al, 2010:387).

بنابر یافته‌های پژوهش‌های اشاره‌شده، نظریه خطر و قیمت، مبتنی بر مفهوم انعطاف‌پذیری تقاضا در برابر قیمت است. بر اساس این مفهوم، واکنش مصرف‌کنندگان به افزایش قیمت مواد مخدر صرفاً ترک مصرف مواد و خروج از بازارهای خریدوفروش مواد است. لکن، این موضوع در تعارض با یافته‌های برخی پژوهش‌های دیگر در این زمینه قرار می‌گیرد. بر اساس این دسته از پژوهش‌ها، انعطاف‌پذیری تقاضا در برابر قیمت برای همه کالاها رعایت نمی‌شود. بررسی رفتار مصرف‌کنندگان نشان‌دهنده آن است که تقاضا در برابر برخی کالاها انعطاف‌پذیری ندارد و بنابراین همواره تقاضا برای آن کالاها وجود دارد؛ خواه قیمت آن کالا کاهش و خواه افزایش یابد. در این راستا، بنابر نتایج برخی پژوهش‌ها، مواد مخدر نیز جزء کالاهایی است که این اصل در آن رعایت نمی‌شود. به بیانی دیگر، مصرف‌کنندگان با افزایش قیمت، مصرف مواد را ترک نمی‌کنند و به مصرف خود ادامه می‌دهند. این موضوع بیانگر انعطاف‌ناپذیری تقاضا در برابر قیمت است.

برای نمونه، بر اساس مطالعه مکسول و برچت علی‌رغم کاهش میزان مواد مخدر به دلیل برنامه‌های کنترل بازارهای مواد، تعداد مصرف‌کنندگانی که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ وارد فرآیند درمان شده‌اند کاهش یافته است (Maxwell et.al, 2011:1171-1172). نتایج پژوهش دیجن‌هارد و همکاران نیز مؤید این موضوع است که به‌رغم افزایش شدت مداخله‌ها و به دنبال آن کاهش عرضه (قحطی) هرویین از سال ۲۰۰۱ به بعد در استرالیا، میزان ورود به درمان در ابتدا افزایش و سپس کاهش یافته است به‌طوری‌که از ۷۷ درصد به ۲۹ درصد رسیده است (Degenhardt et.al, 2005). دینار دو نیز این موضوع را در خصوص کوکائین بررسی و غیرقابل انعطاف‌پذیری تقاضای آن در

برابر قیمت را تأیید کرد (DiNardo, 1993). مک دونالد نیز با بررسی پژوهش‌های موجود در خصوص ارتباط میان قیمت و تقاضای مواد، به این نتیجه رسید که به دلیل انعطاف‌ناپذیری تقاضای مواد در برابر قیمت، اتکا بر قیمت، شاخص مناسبی برای ارزیابی اثربخشی مداخله‌ها نیست؛ چراکه کاهش نیافتن مصرف حتی در فرض افزایش قیمت، از این حیث که مصرف‌کنندگان مجبورند برای تأمین مصرفشان مواد را به قیمت بیشتری خریداری نمایند، به سود عرضه‌کنندگان مواد است. به همین جهت، سیاست‌های مبتنی بر افزایش قیمت و کاهش مصرف فاقد اثربخشی هستند (MacDonald, 2004: 136).

به هر روی، وجود یافته‌های متعارض در راستای سنجش انعطاف‌پذیری تقاضا در برابر قیمت، سنجش میزان اثربخشی مداخله‌ها را با چالش روبه‌رو می‌کند. در واقع، نمی‌توان اثربخشی این سازوکار را مسلم فرض کرد؛ چراکه الگوی رفتاری مصرف‌کنندگان ممکن است منطبق بر پیش‌بینی‌های موجود نباشد (Burrus, 2007:81-82). آنچه این برداشت را تقویت می‌کند، الگوی رفتاری مصرف‌کنندگان سنگین مواد مخدر است. بر اساس پژوهش‌های موجود، ویژگی‌های روانی مصرف‌کنندگان سنگین مصرف‌کنندگان سنگین موجب می‌شود تا تقاضای آنان نسبت به تغییرات قیمت هیچ تغییری نداشته باشد (May and Hough, 2001: 143). دیجن‌هارد و همکاران این موضوع را در استرالیا بررسی و چنین الگوی رفتاری را در میان مصرف‌کنندگان سنگین هرویین مشاهده کردند (Degenhardt et.al, 2005:133). در واقع، علی‌رغم اینکه تعداد این گروه از مصرف‌کنندگان در بازارهای مواد کمتر از بقیه است، به دلیل وابستگی زیاد به مصرف، بخش درخور توجهی از حجم مواد مصرفی را خریداری می‌کنند. از این حیث، باقی‌ماندن آنان در فهرست متقاضیان مواد، اثربخشی تدابیر کنترلی پلیس بر بازارهای مواد را با ابهام روبه‌رو می‌سازد.

حتی در صورتی که انعطاف‌پذیری تقاضا در برابر قیمت بر اساس پژوهش‌های دسته اول پذیرفته شود، باز هم نمی‌توان آن را ملاک و معیار اثربخشی مداخله‌ها دانست؛ چراکه الگوی رفتاری مصرف‌کنندگان بیانگر واکنش متفاوت آن‌ها به افزایش قیمت است. بر اساس نظریه‌های اقتصاد خرد، مردم کالاها را به خاطر وجود برخی خصوصیات و نه رسیدن به یک محصول خاص خریداری می‌کنند. بنابراین، در صورت نبود کالای مدنظر، کالاهای با خصوصیات مشابه می‌توانند جایگزین آن شوند. از این رو، متقاضی هرویین می‌تواند به‌طور بالقوه متقاضی مواد مخدر دیگر نیز باشد (Rasmussen and Benson, 2003). بنابراین، مصرف‌کنندگان با افزایش قیمت یک ماده و کاهش عرضه آن در بازارهای خریدوفروش مواد لزوماً به سراغ درمان نمی‌روند؛ بلکه ممکن است ماده مخدر دیگری را برای مصرف انتخاب کنند. از این رو، مفروض محدودیت انتخاب مصرف‌کنندگان از سوی کارگزاران کیفری منطبق با ادله تجربی نیست. در این شرایط، نتیجه جایگزینی کالاها، اثربخشی تدابیر کنترلی را با تردیدهای جدی روبه‌رو می‌سازد.

به باور بیشتر پژوهشگران، یگانه اثر افزایش قیمت، جایگزینی مواد است؛ به گونه‌ای که افزایش قیمت یک ماده موجب افزایش مصرف مواد دیگر می‌شود. در این زمینه، برون‌تا و همکاران واکنش مصرف‌کنندگان را به مداخله‌های کیفری در بازارهای مواد اکستازی در نیوزیلند از سال ۲۰۰۸ تا

۲۰۰۹ بررسی کردند. بر پایه نتایج مطالعه آن‌ها، جدای از ادامه مصرف اکستازی از سوی برخی، سایر مصرف‌کنندگان برای تأمین نیازهایشان به مصرف موادی مانند مت‌آمفتامین، آمفتامین و کتامین روی آورند (Brunt et.al, 2012: 681). بنابراین، با اینکه برخی مداخله‌ها ممکن است موجب کاهش مصرف یک ماده مخدر شود ولی به دلیل آنکه در نهایت مصرف مواد دیگری افزایش می‌یابد، اثربخشی نهایی را تأمین نمی‌کند (Chalmers, 2010: 381-382).

وجود عملکرد جایگزینی نوع ماده مصرفی در بحث تقاضای مواد دو نتیجه مهم به دنبال دارد: نخست، تغییر الگوی مصرف مواد است. استفاده از یک ماده جایگزین به دلیل افزایش قیمت یا کاهش عرضه ماده دیگر در یک جریان کلی، الگوی مصرف را به سمت ماده جدید تغییر می‌دهد. حال در صورتی که ماده مخدر جایگزین پرخطرتر از ماده پیشین باشد، دستیابی به اثربخشی نهایی به مراتب سخت‌تر خواهد شد؛ دوم، کاهش سن اعتیاد به دنبال تغییر الگوی مصرف مواد مخدر است؛ به طوری که با افزایش مواد پرخطر، افراد در سنین پایین‌تری مصرف مواد مخدر پرخطر را تجربه می‌کنند.

تغییر الگوی مصرف حتی ممکن است موجب شود تا در میان کسانی که برای اولین بار مصرف مواد را تجربه می‌کنند، شروع مصرف با مواد پرخطر باشد. برای نمونه، یافته‌های پژوهش انجام‌شده در سال ۱۳۹۰ بر روی ۵۰۰ معتاد، مؤید کاهش سن مصرف مواد، تغییر الگوی مواد مخدر از مواد سنتی کم‌خطر به مواد صنعتی پرخطر، مانند هرویین و شیشه، و همچنین آغاز مصرف با مواد پرخطر است. به طور خاص ۱/۵۷ درصد از پاسخ‌گویان، شیشه و ۲۰ درصد، کراک را به عنوان پرطرفدارترین مواد مصرفی عنوان کردند (دعاگویان و حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۲۱). تغییر الگوی مصرف از مواد کم‌خطر به سمت مصرف مواد مخدر صنعتی در پژوهش انجام‌شده در ایلام در سال ۱۳۹۲ نیز تأیید شده است (ملکشاهی، ۱۳۹۲). قنبری و ربیعی نیز با انجام فراتحلیل نسبت به مطالعات موجود در حوزه اعتیاد از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۱، کاهش سن مصرف اعتیاد و تغییر الگوی مصرف را تأیید کردند. همچنین، بر اساس نتایج پژوهش آن‌ها، زنان بیشتر از مردان از مواد پرخطر، مانند شیشه و کراک استفاده می‌کنند (قنبری و ربیعی، ۱۳۹۴: ۲۶۱). جنبه‌هایی از این تحول در الگوهای مصرف مواد مخدر و کاهش سن اعتیاد را می‌توان به طور آشکار در اظهارنظر مقام‌های رسمی مسئول کنترل مواد مخدر مشاهده کرد.^۱

دومین نتیجه مورد توجه در الگوی رفتاری مصرف‌کنندگان، مسئله چندمصرفی مواد مخدر است. بسیاری از مصرف‌کنندگان ممکن است به جای مصرف یک ماده مخدر، چند ماده را مصرف کنند و به همین جهت کاهش عرضه یک ماده، اختلال جدی در چگونگی تأمین مواد مخدر

۱. به گفته رئیس کارگروه کاهش تقاضای اعتیاد کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۴ «تغییر الگوی مصرف مواد باعث کاهش سن اعتیاد شده است. این امر، نخست به طرف تریاک و از سمت هرویین به مواد روان‌گردان صورت پذیرفت. ذات مصرف مواد روان‌گردان، این است که آن‌ها بیشتر در سن پایین‌تر مصرف می‌شوند. در تمامی جهان، مصرف شیشه از ۱۸ سالگی صورت می‌پذیرد؛ اما تریاک از ۲۴ سالگی مصرف می‌شود. در نتیجه این امر سبب شد تا سن مصرف مواد در ایران یک مقدار پایین بیاید.»

مورد نیاز آنها ایجاد نمی‌کند. تاپ و همکاران در مطالعه خود در خصوص بررسی میزان تأثیر کاهش عرضه هرویین بر رفتارهای مصرف‌کنندگان، مصرف مواد مختلف را به عنوان یکی از واکنش‌های آنان برشمردند. بسیاری از مصرف‌کنندگان ممکن است به جای مصرف یک ماده مخدر، چند ماده را مصرف کنند و به همین جهت کمبود یک ماده اختلال جدی در چگونگی مصرف مواد آنها ایجاد نمی‌کند (Topp et.al, 2003: 280-281). دیجن‌هارد و همکاران در پژوهش خویش چندمصرفی را در میان پاسخ‌گویان مشاهده کرده و آن را نشان‌دهنده ضعف مداخله‌های کنترلی دانستند (Degenhardt et.al, 2005: 142).

در پژوهش انجام‌شده در کرمانشاه در سال ۱۳۸۸ نیز چندمصرفی به‌عنوان یک الگوی معمول در میان مصرف‌کنندگان مشاهده شده است (خادمی و همکاران، ۱۳۸۸). منصوریان و همکاران نیز در ۱۳۹۳ به بررسی پیامدهای مصرف مواد مخدر پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بیشتر مصرف‌کنندگان تجربه مصرف چند ماده مخدر و به‌طور خاص شیشه و کراک را داشتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد از ۳۸ مصرف‌کننده مورد مطالعه، ۳۵ نفر کراک و شیشه و یک نفر تجربه مصرف سه ماده شیشه، کراک و حشیش و دو نفر هم به شیشه اعتیاد داشتند (منصوریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶۷).

پدیده چندمصرفی و پیامدهای آن در گفتمان مقام‌های رسمی مسئول کنترل مواد مخدر نیز به رسمیت شناخته شده است. برای نمونه، معاون پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی با اشاره به نتایج پیمایش ملی اعتیاد، افزایش چندمصرفی را موضوعی نگران‌کننده در حوزه اعتیاد برمی‌شمارد و می‌گوید: «میزان مصرف چند ماده مخدر و محرک در میان مصرف‌کنندگان کشور در حال افزایش است و عده‌ای از مصرف‌کنندگان تنها یک ماده مخدر یا محرک را مصرف نکرده و حتی سه ماده را نیز به‌طور همزمان با هم مصرف می‌کنند.»^۱ اظهارات مشاور دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز در سال ۱۳۹۵ مبنی بر اینکه ۵۸ درصد معتادان مصرف چندماده‌ای دارند نیز مؤید این موضوع است.^۲

وجود چند مصرفی در میان مصرف‌کنندگان تأملاتی را در باب اثربخشی مداخله‌های سخت‌گیرانه در راستای افزایش قیمت مواد ایجاد می‌کند؛ چراکه اثربخشی مداخله‌های کیفی منوط به کاهش مصرف کلی مواد است، نه کاهش مصرف یک ماده خاص. در واقع، مصرف‌کنندگان به واسطه تغییر ماده مصرفی یا روی آوردن به چندمصرفی، رفتار و نحوه مصرف خویش را مطابق با بازارهای مواد تنظیم کرده و به مقاومت بازارهای مواد در برابر مداخله‌ها کمک می‌کنند. مصاحبه‌های انجام‌شده با ۴۱ نفر از مصرف‌کنندگان نیز نتایج مشابهی را، همسو با یافته‌های مطرح‌شده، تأیید کرد. از میان مصرف‌کنندگان مورد مطالعه شش نفر شیشه، هشت نفر هرویین، شانزده نفر شیشه و هرویین، پنج نفر شیشه و متادون، دو نفر هرویین و متادون، و چهار نفر شیشه،

1. <http://www.ghanoondaily.ir/fa/news/detail/8227/>

2. <http://sahebkhbar.ir/news/16585658/>

هرویین و متادون را مصرف می‌کردند. با توجه به داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها می‌توان تأثیر افزایش قیمت مواد بر الگوی مصرف را در میان مصرف‌کنندگان در جدول ذیل مشاهده کرد:

جدول ۱- تأثیر افزایش قیمت مواد بر مصرف‌کنندگان

| شماره | الگوی مصرف | تعداد |
|-------|--------------------------------|-------|
| ۱ | کاهش مصرف | ۳ |
| ۲ | مصرف دو ماده یا چند ماده پرخطر | ۲۰ |
| ۳ | مصرف مواد پرخطر و کم‌خطر | ۷ |
| ۴ | عدم کاهش مصرف | ۱۱ |

بر اساس جدول فوق و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها می‌توان میزان مصرف، الگوی مصرف و همچنین چندمصرفی را استنباط کرد.

نخست آنکه از میان ۴۱ مصرف‌کننده تنها سه نفر در نتیجه مداخله‌ها میزان مصرفی خویش را کاهش داده و در عین حال ماده دیگری را جایگزین آن نکرده‌اند. ۱۱ نفر از آنان هیچ‌گونه تمایلی به تغییر میزان مصرف علی‌رغم افزایش قیمت کنونی مواد نداشتند. همچنین، با وجود آنکه برخی از آنان به دنبال اجرای طرح‌های پلیسی با هدف جمع‌آوری مصرف‌کنندگان، برای مدتی از بازارهای مواد مخدر خارج شدند، پس از گذران مدت معین در مراکز ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر^۱ و ترک اجباری دوباره به مصرف مواد روی آوردند. آمارهای ارائه‌شده از سوی مدیران نهادهای مبارزه با مواد مخدر نیز مؤید افزایش رشد مصرف مواد و نه کاهش آن در جامعه است. برای نمونه، معاون کاهش تقاضا و توسعه مشارکت‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۴ در این زمینه می‌گوید: «حدود ۵ سال پیش، شیوع مواد آفتمین و محرک در جمعیت معتادان کشور سه تا پنج درصد بود اما اکنون این رقم به ۲۶ درصد رسیده است.»^۲ دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۲ در رابطه با افزایش مصرف مواد مخدر در میان زنان اظهار کرد: «تعداد زن‌های مصرف‌کننده مواد مخدر از ۵/۳ درصد به ۹/۱ درصد افزایش یافته است.»^۳ اظهارات معاون سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۵ مبنی بر اینکه مصرف مواد مخدر صنعتی از ۳ درصد به ۲۵ درصد رسیده است نیز شاهد دیگری بر این مدعا است.^۴

دوم آنکه بیشترین نوع مواد مخدر مصرفی در میان مصاحبه‌شوندگان شیشه و هرویین است. هیچ‌یک از ۴۱ مصرف‌کننده مورد مصاحبه به واسطه مداخله‌ها تمایلی به استفاده از مواد کم‌خطری،

۱. ماده ۱۶: «معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان مذکور در دو ماده ۴ و ۸ فاقد گواهی موضوع ماده ۱۵، و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند. تمدید مهلت برای یک دوره سه ماهه دیگر با درخواست مراکز مذکور بلامانع است. با گزارش مراکز مذکور و بنا بر نظر مقام قضایی، چنانچه معتاد آماده تداوم درمان طبق ماده ۱۵ این قانون باشد، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع می‌باشد.»

2. <http://www.ilna.ir>

3. <http://jamejamonline.ir/sara/1309525901139246316/>

4. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950920000851>

مانند تریاک یا حشیش نداشتند. در واقع، به‌رغم هزینه کم‌تر مصرف حشیش و تریاک، نمونه‌های مورد مصاحبه هیچ تمایلی به تغییر الگوی مصرف نداشتند. این موضوع هنگامی که در کنار بررسی نوع مواد مخدري که اولین بار مصاحبه‌شوندگان مصرف نمودند، قرار گیرد، پیامدهای ناگوار مداخله‌ها را بیشتر از پیش آشکار می‌سازد. با وجود مداخله‌های سخت‌گیرانه، ۱۳ نفر از پاسخ‌گویان مصرف را با مواد پرخطر شیشه یا هرویین آغاز کردند. با توجه به آنکه میانگین سنی در این دسته از افراد در حدود ۳۰ سال (۲۹/۸۸ درصد) و بنابراین اکثریت آنان در گروه جوانان قرار دارند، اهمیت و حساسیت این‌گونه مداخله‌ها بیش از پیش احساس می‌شود.

سوم آنکه چندمصرفی به‌عنوان یک الگوی معمول در میان مصرف‌کنندگان مشاهده شد؛ به‌گونه‌ای که ۶۵/۸۵ درصد از آنان چند ماده مخدر را توأمان مصرف می‌کنند. در این قسمت نکته مهم آن است که تعداد کسانی که چند ماده مخدر پرخطر را با هم مصرف می‌کنند، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بیشتر از کسانی است که سابقه استفاده از یک ماده پرخطر همراه با ماده کم‌خطری را دارند. کاوش در خصوص علت چندمصرفی در میان این دسته از اشخاص، نشان‌دهنده تأثیر افزایش قیمت مواد بر انتخاب این الگوی مصرف مواد است. در این خصوص ۱۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان علت کاهش مصرف و افزایش مصرف ماده دیگر را نداشتن هزینه تأمین معاش و گرانی دانستند. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان کرد: «لان چون شیشه گرون شده مجبورم هم متادون که ارزان است و هم شیشه به مقدار کمتر مصرف کنم.»

با وجود این، بر اساس پاسخ برخی از مصاحبه‌شوندگان کاهش مصرف مواد ارتباطی با افزایش قیمت ندارد. ۱۱ نفر از مصرف‌کنندگان علت تغییر الگوی مصرف از تک‌مصرفی به چندمصرفی را نه مداخله‌های پلیس که سایر عوامل همچون تصمیم به ترک مواد به دلیل خستگی از مواد، یا لذت‌طلبی و سرخوشی حاصل از آن نسبت دادند. در این زمینه، مصرف‌کننده شماره ۲۱ بیان می‌کند: «لان بین این مواد هم هرویین و هم شیشه رو دوست دارم. با شیشه خمار می‌کنم و پشت‌بند آن هرویین می‌کشم که بخوابم.»

در مجموع، اگر به واسطه مداخله‌های پلیسی الگوی مصرف به سمت مواد کم‌خطرتر تغییر پیدا کند، می‌توان آن را امری مثبت تلقی کرد؛ اما با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر چندمصرفی در میان ۶۵/۸۵ درصد از مصرف‌کنندگان و کاهش مصرف مواد مخدر تنها در ۷/۳۱ درصد از مصرف‌کنندگان، به نظر می‌رسد این مداخله‌ها را باید فاقد اثربخشی دانست. در واقع، نه‌تنها الگوی مصرف به سمت مواد کم‌خطر تغییر نکرده، بلکه چندمصرفی به مثابه الگوی رایج در میان مصرف‌کنندگان توصیف شده است.

نتیجه

پژوهش‌های ارزیابی اعم از ارزیابی نظریه، فرایند، اثربخشی و... اطلاعات مفیدی را در خصوص چگونگی اجرای طرح، چرایی تدوین یک طرح، و میزان اثربخشی آن ارائه می‌کند. داده‌های حاصل

از این پژوهش‌ها، تکیه بر تجربیات شخصی و دیدگاه‌های غیرعلمی را به چالش کشیده و شیوه سیاست‌گذاری را تغییر می‌دهد.

در این مقاله تلاش شد تا اثربخشی سیاست‌های پلیسی ناظر بر کنترل بازارهای خریدوفروش مواد مخدر ارزیابی شود. بررسی تأثیر تدابیر و اقدام‌های پلیسی کنترل مواد مخدر در کشورهایی همچون آمریکا و انگلستان بیانگر عدم اثربخشی این فعالیت‌ها است. برآیند برنامه‌ها و تدابیر پلیس ایران نیز نه افزایش قیمت که کاهش تدریجی قیمت مواد مخدر است. در واقع، افزایش کوتاه‌مدت قیمت مواد مخدر در مقایسه با هزینه‌های هنگفت اجرای طرح‌های پلیسی، بازاندیشی در این تدابیر را بیش از پیش ضروری ساخته است. افزون بر این، دسترسی آسان مصرف‌کنندگان به انواع مواد مخدر کم‌خطر و پرخطر که به تأیید مقام‌های رسمی مسئول مبارزه با مواد مخدر در ایران رسیده است، جنبه‌های دیگری از ناکارآمدی برنامه‌های کنترلی پلیس را نشان می‌دهد.

یافته‌های این پژوهش مبنی بر کاهش درجه خلوص مواد، خواه در زمان افزایش و خواه در زمان کاهش قیمت مواد مخدر، نیز عقلایی‌بودن مداخله‌های پلیسی را در معرض تردید قرار داد؛ زیرا این تدابیر موجبات سوداندوزی بیشتر توزیع‌کنندگان مواد مخدر را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش و سایر ارزیابی‌ها مؤید عدم تأثیر سیاست‌های سخت‌گیرانه بر رفتار مصرف‌کنندگان در خصوص ترک مصرف مواد مخدر است؛ چنانکه آنان هم‌راستا با نظریه‌های اقتصادی در خصوص جایگزینی کالاها، با چندمصرفی یا تغییر نوع مواد مصرفی در مقابل این اقدامات واکنش نشان می‌دهند و بنابراین تقاضای مصرف همچنان ادامه خواهد داشت. حتی وجود تقاضا از سوی مصرف‌کنندگان در هنگام کاهش عرضه یک ماده، می‌تواند موجب ورود مواد مخدر جدیدی به بازار شود. بنابراین، تحقق نیافتن هدف نهایی مداخله‌های پلیسی و حتی دستیابی به نتایج متضاد، به شدت اثربخشی مداخله‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نگاهی به نتایج برنامه‌های پلیسی و تأثیر کوتاه‌مدت اقدامات برای مقابله با عرضه مواد مخدر بیانگر تحقق نیافتن اهداف مورد انتظار است. در واقع، تاکنون همیشه فرض بر این بوده است که منفعت اجتماع از طریق تأکید بر شاخص‌های قیمت، خلوص و زمان دسترسی به مواد تأمین می‌شود و به همین جهت تمرکز سیاست‌های سخت‌گیرانه پلیس بر توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مواد بود؛ ولی توجه به نتایج ارزیابی‌های علمی متعدد خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد توجه نکردن به واکنش عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان، ارزیابی نکردن مداخله‌های پیشین، و توجه نداشتن به نتایج مطالعات تطبیقی در این حوزه، از علل مهم عدم اثربخشی سیاست‌های پلیسی در این حوزه باشند.

در واقع، پس از افزایش قیمت مواد مخدر به دنبال طرح‌های پلیسی، برنامه‌هایی برای کاهش تقاضای مصرف وجود ندارد و بنابراین، بازارهای مواد مخدر بار دیگر تعادل از دست رفته را بازیافته و به حالت پیشین خود بازمی‌گردند. از این‌رو، بررسی و شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در حفظ وضعیت و به‌طور کلی مدیریت بازارهای مواد، ضروری جلوه می‌کند. یکی از عوامل تأثیرگذار برای

دستیابی به هدف نهایی کاهش مصرف، توجه به تقاضای مواد و درمان مصرف‌کنندگان است. به نظر می‌رسد تمرکز بر مقابله با تقاضا و درمان مصرف‌کنندگان بهتر بتواند اهداف نهایی را محقق سازد. در نهایت وجود چنین یافته‌هایی، بازنگری در سازوکارهایی را که افزایش قیمت مواد را نشانه موفقیت برنامه‌های کنترل بازارهای مواد می‌دانند، ایجاب می‌کند؛ زیرا نه تنها در فرایند طولانی شاخص‌های اثربخشی مانند قیمت، دسترس‌پذیری و... محقق نمی‌شود، بلکه ممکن است تغییر الگوی مصرف به سمت مواد پرخطر یا حتی چندمصرفی نیز حاصل آید. استفاده از ارزیابی‌ها و از جمله ارزیابی اثربخشی در این حوزه ضمن آنکه موجب آگاهی از میزان اتکای تصمیم‌گیری‌ها بر نتایج پژوهش‌های علمی می‌شود، فشار بر سیاست‌گذاران را جهت ادامه اجرای سیاست‌های غیرعقلایی می‌کاهد و به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا به بازنگری و اصلاح برنامه‌های موجود بپردازند یا برنامه‌های جدیدی را تدوین کنند و توسعه دهند.

منابع

الف) فارسی

۱. خادمی، ناهید؛ لقایی، زهرا؛ علیخانی، علیرضا (۱۳۸۸) بررسی الگوی مصرف اعتیاد در زنان معتاد مراجعه‌کننده به مراکز کاهش آسیب، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، سال سوم، شماره دوازدهم، ۹۰-۷۹.
۲. دعاگویان، داود؛ حبیب‌زاده، اصحاب (۱۳۹۰) بررسی عوامل مؤثر بر تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان؛ از مواد سبک به سوی مواد سنگین، فصلنامه دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۱۲۱-۱۱۷.
۳. رنجکش، صمد (۱۳۹۴) تعیین پروفایل هرویین، دوفصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر، دوره هفتم، شماره ۲۶ و ۲۷-۱۹-۱۱.
۴. زکریایی، محمدعلی (۱۳۹۰) تحلیل بر روند مصرف مواد روان‌گردان، شیمیایی و صنعتی در کشور، گزارش راهبردی، کمیته مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام، انتشارات جامعه و فرهنگ.
۵. فرجیها، محمد (۱۳۸۴) ارزیابی مداخله پلیس در کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر، در علوم جنایی، گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد نخست، کمیته معاضدت قضایی و ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران. جلد دوم.
۶. فرهودیان، علی؛ رحیمی موقر، آفرین؛ صفاتیان، سعید؛ محمدی، فهیمه (۱۳۹۱) بررسی کیفی وضعیت کراک در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، ۳۱۷-۲۹۷.
۷. قنبری، علی؛ ربیعی، کامران (۱۳۹۴) سبب‌شناسی تغییرات الگوی مصرف مواد مخدر در میان شهروندان جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره پانزدهم، ۲۶۹-۲۴۳.
۸. کاوسی، اسماعیل؛ بیانانی، ماه منیر (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر پژوهش کیفی، در مجموعه مقالات روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی.
۹. محمدپور، احمد (۱۳۸۸) نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی: سنخ‌ها و روش‌ها، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره پنجم، شماره ۴، ۱۶۴-۱۳۱.
۱۰. ملکشاهی، محسن؛ قاسمی، یارمحمد (۱۳۹۲) بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به مواد مخدر صنعتی در بین مراجعین مراکز اعتیاد شهر ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
۱۱. منصوریان، مرتضی؛ صلحی، مهناز؛ دهداری، طاهره؛ تقدیسی، محمدحسین؛ زمانی علویجه، فرشته (۱۳۹۳) تجربه توهّم در مصرف‌کنندگان مواد مخدر: یک مطالعه کیفی، نشریه پایش، سال سیزدهم، شماره چهارم، ۴۶۷-۴۷۵.

(ب) انگلیسی

1. Aitken, Campbell, David Moore, Peter Higgs, Jenny Kelsall, and Michael Kerger. (2002) *The impact of a police crackdown on a street drug scene: evidence from the street*. International journal of drug policy 13, no. 3
2. Alex Wodak, A. M. (2014) *The abject failure of drug prohibition*. Australian and New Zealand Journal of Criminology 47, no. 2
3. Best, David, John Strang, Tracy Beswick, and Michael Gossop. (2001): *Assessment of a Concentrated, High-Profile Police Operation. No Discernible Impact on Drug Availability, Price of Purity: British journal of Criminology 41, no. 4, 738-745.*
4. Bretteville-Jensen, Anne-Line, and Erik Bjørn. (2002) *Drug Injection, Drug Dealing, and the Influence of Economic Factors: A Two-drug Micro-econometric Analysis*. No.11/02.
5. Bright, David A., and Alison Ritter. (2010) *Retail price as an outcome measure for the effectiveness of drug law enforcement*. International Journal of Drug Policy 21, no. 5
6. Brunt, Tibor M., Raymond JM Niesink, and Wim van den Brink. (2012) *Impact of a transient instability of the ecstasy market on health concerns and drug use patterns in The Netherlands*, International Journal of Drug Policy 23, no. 2
7. Burrus, R. T., William H. Sackley, and David L. Sollars. (2007) *Illicit drugs and economics: examples for the principles classroom*. J. Econ. Financ. Educ. 6
8. Chalmers, Jenny, Deborah Bradford, and Craig Jones. (2010) *The effect of methamphetamine and heroin price on polydrug use: A behavioural economics analysis in Sydney, Australia*. International Journal of Drug Policy 21, no. 5
9. Cyster, R. and Rowe, S (2006) *Low-level Heroin Markets: A case study approach*. Edinburgh: Scottish Executive Social Research.
10. Davis, Robert C., and Arthur J. Lurigio. (1996) *Fighting back: Neighborhood antidrug strategies*. Sage Publications.
11. Degenhardt, Louisa, Elizabeth Conroy, Carolyn Day, Stuart Gilmour, and Wayne Hall. (2005) *The impact of a reduction in drug supply on demand for and compliance with treatment for drug dependence Drug and Alcohol Dependence 79, no. 2*
12. DiNardo, John. (1993) *Law enforcement, the price of cocaine and cocaine use*. Mathematical and Computer Modelling 17, no. 2
13. MacDonald, Ziggy. (2004) *What Price Drug Use? The Contribution of Economics to on Evidence-Based Drugs Policy*. Journal of economic surveys 18, no.2.
14. Maxwell, Jane Carlisle, and Mary-Lynn Brecht. (2011) *Methamphetamine: here we go again?* Addictive behaviors 36, no. 12
15. May, Tiggey, and Michael Hough. (2001) *Illegal dealings: The impact of low-level police enforcement on drug markets*. European Journal on Criminal Policy and Research 9, no. 2
16. McSweeney, Tim, Paul J. Turnbull, and Mike Hough. (2008) *Tackling Drug Markets & Distribution Networks in the UK*, Vol. 4, no. 11. London: UK Drug Policy Commission,
17. Pollack, Harold A., and Peter Reuter. (2014) *Does tougher enforcement make drugs more expensive?*. Addiction 109, no. 12
18. Poret, Sylvaine. (2002) *Paradoxical effects of law enforcement policies: the case of the illicit drug market*. International Review of Law and Economics 22, no. 4
19. Rasmussen, David W., and Bruce L. Benson, (2003) *Rationalizing drug policy under federalism*, Florida State University Law Review 30
20. Reed, E., *Seizures of Drugs in England and Wales, (2005)*. Home Office Statistical Bulletin 17/07. London: Home Office. (2007)
21. Rhodes, William, Patrick Johnston, Song Han, Quentin McMullen, and Lynne Hozik. (2000) *Illicit drugs: Price elasticity of demand and supply*. Abt Associates,
22. Rossi, Peter H., Mark W. Lipsey, and Howard E. Freeman. *Evaluation: A systematic approach*. Sage publications. (2003).
23. Sampson, Rana, (2003) *Advancing Problem-Oriented Policing: Lessons From Dealing With Drug Markets Crime Prevention Studies*, vol. 15.
24. Topp, Libby, Carolyn Day, and Louisa Degenhardt. (2003), *Changes in patterns of drug injection concurrent with a sustained reduction in the availability of heroin in Australia*. Drug and Alcohol Dependence 70, no. 3

25. Weatherburn, Don, and Bronwyn Lind. (1997) The impact of law enforcement activity on a heroin market *Addiction* 92, no. 5
26. Werb, Dan, Thomas Kerr, Bohdan Nosyk, Steffanie Strathdee, Julio Montaner, and Evan Wood. (2013) The temporal relationship between drug supply indicators: an audit of international government surveillance systems. *BMJ open* 3, no. 9
27. Yuan, Yuehong, and Jonathan P. Caulkins. (1998). *The effect of variation in high-level domestic drug enforcement on variation in drug prices*. *Socio-Economic Planning Sciences* 32, no. 4

ج) اینترنتی

28. <http://www.yjc.ir/fa/print/5592833>
29. <http://www.fardanews.com>
30. <http://www.mizanonline.ir/fa/news/229366>
31. <http://kheybaronline.ir/fa/news>
32. <http://www8.irna.ir/fa/News/81673272/>
33. <http://www.farhangnews.ir/content/89206>
34. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13920715001300>
35. <http://www8.irna.ir/fa/News/81912691/>
36. <http://www.ghanoondaily.ir/fa/news/detail/8227/>
37. <http://sahebkhavar.ir/news/16585658>
38. <http://www.ilna.ir>
39. <http://jamejamonline.ir/sara/1309525901139246316/>
40. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950920000851>
41. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13901026001515>
42. <http://www1.jamejamonline.ir/newstext2.aspx?newsnum>
43. <http://www.irna.ir/fa/News/82285919/>
44. <http://fardanews.khabargoy.ir/page-687974.html>

پیوست های مقاله

الف: مشخصات فروشندگان مصاحبه شونده

| شماره | سن | جنس | وضعیت تاهل | مکان مصاحبه | زمان مصاحبه | طول مدت | وضعیت مصرف |
|-------|----|-----|-------------|-----------------------------|-------------|---------|------------|
| ۱ | ۴۱ | مرد | متاهل | دروازه غار | ۱۳۹۴/۱۱/۳ | 00:48 | مصرف کننده |
| ۲ | ۳۱ | مرد | متاهل | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ | 00:53 | مصرف کننده |
| ۳ | ۴۹ | زن | متاهل | دروازه غار | ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ | 1:40 | مصرف کننده |
| ۴ | ۲۹ | مرد | مجرد | دروازه غار | ۱۳۹۴/۱۱/۱۶ | 1:32 | - |
| ۵ | ۲۳ | مرد | مجرد | محلہ شوش (پارک) | ۱۳۹۴/۱۱/۲۱ | 00:50 | مصرف کننده |
| ۶ | ۳۲ | مرد | متاهل | محلہ شوش (پارک) | ۱۳۹۴/۱۱/۲۳ | 1:00 | مصرف کننده |
| ۷ | ۳۳ | مرد | مجرد | محلہ شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ | 1:04 | مصرف کننده |
| ۸ | ۲۷ | مرد | مجرد | محلہ شوش (پارک) | ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ | ۱:۰۸ | مصرف کننده |
| ۹ | ۲۸ | مرد | متاهل | محلہ شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ | 00:51 | مصرف کننده |
| ۱۰ | ۲۵ | مرد | مجرد | محلہ شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ | 00:47 | مصرف کننده |
| ۱۱ | ۲۷ | مرد | متاهل | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ | 1:15 | مصرف کننده |
| ۱۲ | ۲۲ | مرد | مجرد | محلہ شوش (پارک) | ۱۳۹۴/۱۱/۳۰ | 1:18 | مصرف کننده |
| ۱۳ | ۳۲ | مرد | مجرد، مطلقه | محلہ شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۳۱ | 1:20 | مصرف کننده |
| ۱۴ | ۵۱ | مرد | مجرد، مطلقه | محلہ شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲ | 1:35 | مصرف کننده |
| ۱۵ | ۳۰ | مرد | متاهل | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۱/۲ | 00:38 | مصرف کننده |
| ۱۶ | ۲۰ | مرد | مجرد | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۲/۵ | 00:56 | - |
| ۱۷ | ۳۰ | مرد | متاهل | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۲/۶ | 1:22 | - |
| ۱۸ | ۳۴ | مرد | مجرد | دروازه غار | ۱۳۹۴/۱۲/۷ | 1:11 | مصرف کننده |
| ۱۹ | ۱۸ | مرد | مجرد | دروازه غار | ۱۳۹۴/۱۲/۹ | 1:32 | مصرف کننده |
| ۲۰ | ۲۸ | مرد | متاهل | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۲/۱۱ | 1:40 | مصرف کننده |
| ۲۱ | ۳۰ | مرد | متاهل | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ | 00:53 | مصرف کننده |
| ۲۲ | ۳۵ | مرد | متاهل | محلہ شوش (غربتی‌ها) | ۱۳۹۴/۱۲/۱۲ | 1:50 | - |
| ۲۳ | ۳۰ | مرد | مجرد/مطلقه | محلہ شوش (پارک) | ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ | 1:33 | مصرف کننده |
| ۲۴ | ۲۱ | مرد | مجرد | دروازه غار | ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ | 00:57 | مصرف کننده |
| ۲۵ | ۳۰ | مرد | مجرد | دروازه غار | ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ | 2:30 | مصرف کننده |
| ۲۶ | ۲۱ | زن | مجرد | دروازه غار | ۱۳۹۵/۸/۱۰ | 00:55 | مصرف کننده |
| ۲۷ | ۲۷ | مرد | متاهل | بازارهای مواد بزرگ تهران | ۱۳۹۵/۸/۱۰ | 00:43 | - |

ب: مشخصات مصرف‌کنندگان مصاحبه‌شونده

| شماره | سن | جنس | وضعیت تاهل | مکان | زمان | طول مدت |
|-------|----|-----|------------|------------|------------|---------|
| ۱ | 32 | مرد | متاهل | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۲ | 00:35 |
| ۲ | 27 | مرد | مجرد | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۳ | 00:42 |
| ۳ | 53 | مرد | مجرد | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۴ | 00:54 |
| ۴ | 26 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۷ | 00:38 |
| ۵ | 48 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۷ | 00:42 |
| ۶ | 25 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۹ | 1:00 |
| ۷ | 45 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۹ | 00:51 |
| ۸ | 45 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ | 00:38 |
| ۹ | 47 | مرد | متاهل | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ | 00:35 |
| ۱۰ | 51 | مرد | متاهل | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ | 00:41 |
| ۱۱ | 24 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ | 0044 |
| ۱۲ | 38 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۱۷ | 00:49 |
| ۱۳ | 45 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۱۷ | 00:39 |
| ۱۴ | 38 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۱۷ | 00:47 |
| ۱۵ | 41 | زن | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ | 00:58 |
| ۱۶ | 51 | مرد | متاهل | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۲۳ | 00:58 |
| ۱۷ | 35 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۳ | 1:00 |
| ۱۸ | 36 | مرد | متاهل | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ | 00:41 |
| ۱۹ | 28 | مرد | مجرد/مطلقه | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ | 1:21 |
| ۲۰ | 31 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ | 00: 41 |
| ۲۱ | 34 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ | 00:47 |
| ۲۲ | 37 | مرد | مجرد/مطلقه | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ | 00:50 |
| ۲۳ | 24 | مرد | مجرد | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ | 00:57 |
| ۲۴ | 40 | مرد | مجرد/مطلقه | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۳۰ | 00:36 |
| ۲۵ | 34 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۳۱ | 1:05 |
| ۲۶ | 43 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۲ | 00:44 |
| ۲۷ | 40 | مرد | مجرد/مطلقه | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۲ | 00:51 |
| ۲۸ | 33 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۲/۲ | 1:10 |
| ۲۹ | 26 | مرد | متاهل | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۲/۵ | 00:47 |
| ۳۰ | 62 | مرد | مجرد/مطلقه | محله شوش | ۱۳۹۴/۲/۷ | 1:25 |
| ۳۱ | 33 | مرد | مجرد | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۲/۹ | 1:13 |
| ۳۲ | 29 | مرد | مجرد | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۲/۱۱ | 1:02 |
| ۳۳ | 37 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ | 1:05 |
| ۳۴ | 55 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ | 1:04 |
| ۳۵ | 26 | مرد | مجرد | دروازه‌غار | ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ | 1:10 |
| ۳۶ | 47 | مرد | متاهل | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ | 00:56 |
| ۳۷ | 26 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ | 00:43 |
| ۳۸ | 25 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۱۷ | 00:49 |
| ۳۹ | 25 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ | 00:48 |
| ۴۰ | 32 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ | 00:39 |
| ۴۱ | 33 | مرد | مجرد | محله شوش | ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ | 00:50 |



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی